



دانشگاه پیام نور

مرکز تیران

کار تحقیقی (۱)

حقوق ورزشی و مسئولیت مدنی ورزشکاران

محقق: حسن منتظری نجف آبادی

استاد راهنما: آقای مهدی کاظمی

ناشر:

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

پاییز ۱۳۹۰

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول. کلیات	۲
۱. ورزش چیست؟	۳
۱-۱: انواع ورزش با تقسیم بندی خاص	۳
۱-۲: انواع ورزش در اسلام	۴
۱-۳: فتاوی مراجع پیرامون ورزش های خطرناک	۵
۲- حقوق چیست؟	۷
۲-۱: تعریف	۷
۲-۲: قاعده حقوقی	۸
۲-۳: منابع علم حقوق	۹
فصل دوم. حقوق ورزشی	۱۲
۱- تعریف حقوق ورزشی	۱۳
۲- اهداف حقوق ورزشی	۱۳
۳- تاریخچه حقوق ورزشی	۱۴
فصل سوم. مسئولیت های قانونی	۱۸
۱-۱: تعریف	۱۸
۲- انواع مسئولیت های قانونی	۱۹
۲-۱: مسئولیت کیفری	۱۹
۲-۲: مسئولیت مدنی	۲۳
فصل چهارم. مسئولیت های حقوقی ناشی از عملیات ورزشی	۲۷
۱- علت جرم نبودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی	۲۸
۱-۱: تبعیت از دیدگاه قانون اساسی	۲۸
۱-۲: رضایت ورزشکار	۲۹
۱-۳: توجه به نقش ورزش در جامعه	۳۰
۲- تحلیل حقوقی ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی	۳۱
۲-۱: شخصیت مرتکب	۳۱
۲-۲: عمل مرتکب	۳۱
۲-۳: نتیجه حاصله	۳۲
۲-۴: رعایت مقررات به عنوان شرط اصلی	۳۲
۲-۵: معنا و مفهوم مقررات ورزشی	۳۳
۲-۶: تطابق مقررات با موازین شرعی	۳۷
فصل پنجم. مسئولیت عنصرهای ورزش	۳۹
۱- مسئولیت ورزشکاران در برابر تماشاگران	۴۰
۲- مسئولیت برگزار کنندگان مسابقه	۴۰
۳- الف. مسئولیت مربیان در برابر ورزشکاران	۴۱

۳- ب. مسئولیت مربی در برابر اشخاص ثالث	۴۳
۴- اختیارات مدیران در تنبیه ورزشکاران	۴۴
۵- رابطه ورزشکار و مؤسسه های ورزشی	۴۸
۶- مسئولیت های حقوقی داوران	۴۹
۶-۱: بازدید اماکن و تجهیزات	۵۰
۶-۲: بازدید از وسایل شخصی ورزشکار	۵۱
۶-۳: جلوگیری از اجرای حرکات یا فنون خطا	۵۲
۶-۴: اقدام نسبت به ورزشکاران مصدوم	۵۳
۷- مسئولیت های حقوقی مدیران ورزشگاهها	۵۴
۷-۱: ورزشگاه معبد و به مثابه خانه دوم	۵۴
۷-۲: مدیر ورزشگاه و کارکنان	۵۵
۷-۳: مدیر ورزشگاه، اماکن و تجهیزات	۵۵
فهرست منابع	۵۹

در جهان کنونی ، ورزش یکی از راههای مؤثر تربیتی و اخلاقی به ویژه برای جوانان است ؛ وسیله ای که روز به روز چهره علمی بیشتری پیدا می کند . از نظر سیاسی نیز پیروزی در میدانهای ورزشی وسیله مفیدی برای تبلیغ و اثبات اعتبار ملی است و به همین جهت بودجه های کلان و نیروهای انسانی فراوان برای پیشرفت ورزش و توفیق در میدانها صرف می شود . این اهمیت روز افزون باعث شده است که اندیشمندان حقوقی متمایل به تأسیس رشته خاصی با عنوان « حقوق ورزشی » شوند که مانند حقوق کار یا تجارت یا کشاورزی به ابعاد گوناگون این رابطه اجتماعی بپردازند . این اقبال علمی باعث شده است که کتابها و مقاله های گوناگونی در این باره نوشته شود و رویه های قضایی به رویدادهای ورزشی و خطرهای ناشی از آن توجه خاص کنند و ضرورتهای بازیهای ورزشی را در اعمال قواعد مسئولیت مدنی در نظر بگیرند .

ما تا تحقق این آرمان ، که « حقوق ورزشی » نیز به عنوان رشته ویژه ای از حقوق تدوین شود ، راه درازی در پیش داریم : هنوز ادبیات حقوقی ما در این زمینه نوپا است و رویه قضایی ، چنان که باید ، به این پدیده مفید اجتماعی و مبارزه با خطر بازیهای ورزشی نپرداخته است . از نظر اجتماعی نیز هنوز در کشور ما ورزش رنگ حرفه و شغل ندارد و باشگاهها و انجمنهای ورزشی آن اقتدار و انسجام را نیافته اند که آفریننده نظم نو در ورزش شوند . هنوز مردم ما به ورزش به عنوان فضیلت اخلاقی می نگرند و آن را نوعی تفریح و سرگرمی مفید می شناسند و این فایده را از آن انتظار دارند که وسیله تربیت و سلامت روح و جسم آدمی شوند . این نگرش اخلاقی انگیزه سبک و ناچیزی برای دست زدن به تلاشی گسترده در راه تدوین و تکامل « حقوق ورزشی » نیست ، ولی باید این واقعیت را در نظر داشت که حقوق حرفه ای و شغلی ایجاب می کند که مقدمه لازم برای آن فراهم آید و نهادهای ورزشی به صورت مؤسسه های بزرگ اقتصادی و حرفه ای در صحنه زندگی اجتماعی ظاهر شوند .

بی گمان ، با شوق روزافزونی که در جوانان کشور برای فراگیری رشته های گوناگون ورزشی دیده می شود و موفقیتهای امیدوار کننده ای که در میدانهای بین المللی و جهانی به دست آورده اند ، پیشرفت ورزش فراتر از تقاضا و به صورت مطالبه اجتماعی و ملی درآمده است و با این وصف ایجاد « حقوق ورزشی » مستقل با همه ویژگی های اخلاقی و تربیتی و اقتصادی و عرفی آن دور از دسترس نیست و امیدوارم تشکیل همایشهای بین المللی ، سنگ نخستین این بنای رفیع باشد.

فصل اول: کلیات

۱. ورزش چیست ؟

۲. حقوق چیست ؟

۱. ورزش چیست ؟

ورزش به فعالیت‌ها یا مهارت‌های عادی جسمانی گفته می‌شود که بر پایه یک رشته قوانین مورد توافق همگان و با اهداف تفریحی یا برای مسابقه، نشاط شخصی، دستیابی به ورزشدگی، مهارت‌جویی یا آمیزه‌ای از این اهداف انجام می‌گیرد. تعریف ورزش به هدف و منظور از انجام آن بستگی دارد. برای نمونه پیکارهای شنا که در برابر هزاران نفر در یک استخر سرپوشیده مسابقاتی انجام می‌گیرد یک گونه از ورزش بشمار می‌رود در حالیکه شنا در یک استخر معمولی یا در دریا یک تفریح شمرده می‌شود. رشته‌های فراوانی در متن ضخیم‌ورزش وجود دارند و مردم زمان و هزینه زیادی را چه به عنوان شرکت کننده و چه به عنوان تماشاگر صرف ورزش می‌کنند. ورزش و ورزش کردن طی سالیان طولانی از قالب یک تفریح و سرگرمی به قالب یک حرفه و فعالیت درآمد‌است و تعداد بیشماری از ورزشکاران حرفه‌ای در سراسر جهان از طریق ورزش به ثروت رسیده‌اند. این یکی دیگر از خصوصیات ورزش به شمار می‌آید.

۱-۱. انواع ورزش با تقسیم بندی خاص

الف – ورزش‌های ساده:

این نوع ورزش‌های اسکلت و پایه و اساس ورزش‌ها را تشکیل می‌دهند و جزء ضروریات زندگی محسوب می‌شود. بدن را در برابر بسیاری از سختی‌ها، نیرومند و آماده می‌سازد و در عین حال برای بسیاری از بیماری‌ها درمان محسوب می‌شود. تعدادی از این ورزش‌ها عبارتند از: تنفس عمیق: بهتر است تنفس عمیق در فضای آزاد و طبیعی، به دور از هرگونه آلودگی هوا انجام گیرد. پیاده‌روی: بهتر است یا صبح زود و یا هنگام غروب باشد، در پارک‌ها و یا خیابان‌هایی که عبور و مرور ماشین کمتر است، در حیاط خانه و در نهایت اگر مقدور نیست در فضای پشت بام صورت گیرد.

ب – ورزش‌های نیازمند ابزار و وسایل

۱- ورزش‌هایی که در آن توپ بکار می‌رود، مانند فوتبال، والیبال، هندبال، پینگ پنگ، واترپلو، بسکتبال و...

۲- ورزش‌هایی که با وسایل چوبین یا آهنین انجام می‌گیرد مانند ورزش‌های باستانی، وزنه‌برداری، پرتاب نیزه، ... شمشیربازی و

۳- ورزش‌هایی که برای انجام آن، نیازمند به وسایل حمل و نقل دارد. مانند اسب‌سواری، دوچرخه سواری، ماشین سواری و

۴- ورزش‌هایی که به وسایل پوششی نیاز دارد مانند شنا، بوکس و

۵- ورزش‌هایی که محصول پیاده‌روی هستند مانند راهپیمایی، کوهنوردی، شکار و

۶- ورزش‌های موسمی مانند شنا، اسکی، اسب‌سواری و

۲-۱: انواع ورزش در اسلام

اصل در ورزش، اباحه است چرا که حرمت نیازمند دلیل است و دلیلی بر حرمت اصل ورزش نداریم به عبارت دیگر هرگاه در مسابقه غرضهای قابل قبول و پر اهمیت عقلایی وجود داشته باشد هرگز از مصادیق لَهو و لعب حرام نخواهد بود و مسابقاتی از قبیل دویدن، پریدن و سایر مسابقات ورزشی که همواره در دنیا وجود داشته و انسان را به سوی سلامت تن و روان سوق می‌دهد و از بطالت و کسالت و تنبلی و سستی جلوگیری می‌کند، هرگز نمی‌تواند از مصادیق لَهو و لعب باشند و حرام تلقی شوند. اما ورزش‌های نامشروع تقسیم‌بندی خاص خود را دارد که در زیر می‌آید.

: الف: ورزش نامشروع

: ورزش‌هایی که ذاتاً و به خودی خود حرام است

۱- ورزش با آلات و ابزار و وسایل قمار (چه با شرط برد و باخت و چه بدون آن) مانند ورزش با پاسور، بلیارد ... (بنابر نظر عدّه زیادی از علمائ)، تخته نرد و

۲- بازی به شرط برد و باخت. (همانند شرط بندی چه با آلات قمار و چه بدون آن)

۳- هر نوع ورزش و بازی که ترغیب، تشویق، زمینه‌سازی، متمایل نمودن به حرام باشد

: ورزش‌هایی که به جهت مسایل جانبی و حاشیه‌ای حرام می‌شود

بعضی از ورزش‌ها به خودی خود حلال است، چه بسا ورزش مناسب و مفید به شمار می‌رود اما به دلیل آنکه مفساد و حرام‌هایی را به دنبال دارد حرام شده است مثلاً ورزش موتور سواری و دوچرخه سواری بانوان در محافل عمومی، که خود ورزش حرام نیست اما به دلیل مفسده داشتن و پیامدهای منفی آن، اسلام (مراجع و علماء عظام) آن را تحریم نموده است

۱- ورزش‌هایی که در آن شرط‌بندی شود

۲- ورزش‌هایی بسیار خطرناک و مُضَرّ

۳- ورزش زنان و مردان نامحرم با یکدیگر

۴- موتور سواری و دوچرخه سواری بانوان در محافل عمومی

۵- ورزش زنان در محافل عمومی و مردانه

۶- ورزش با حیواناتی که منجر به اذیت و قتل آنها بشود

۷- به جنگ انداختن دو حیوان و در نتیجه قتل آنها

۸- ورزش‌هایی که لَهو و لعب بوده و هیچ فایده عقلایی برای آن متصور نباشد

۹- ورزش و مسابقه با دشمنان اسلام که منجر به تضعیف اسلام و مسلمین بشود

ب: ورزش خطرناک:

دین اسلام دین کامل و متعادلی است. در قرآن و روایات بسیاری اشاره به این نکته شده که دین و امت اسلامی، دین و امتی میانه رو هستند. اعتدال و میانه روی در تمامی ابعاد زندگی یک مسلمان، حکمفرماست، در تغذیه و پوشاک، در کار و تفریح در عبادت و معاشرت. پیرامون مسئله اعتدال و میانه روی در قرآن چنین می خوانیم: (و کذلک جعلناکم اُمَّةً وسطاً) و این چنین شما را امت میانه ای (اعتدال، نه افراط و نه تفریط) قرار دادیم. ورزش نیز به عنوان بخشی از زندگی یک مسلمان از این امر مستثنی نیست. روی آوردن به ورزشی که سرتا پا ضربه و شتم، جراحت و شکستگی و گاهی کشته شدن است، امری ناپسند، غیر معقول و مردود از دیدگاه اسلام است. تا جایی که امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج البلاغه چنین می فرماید: «از افراط و تفریط دوری کنید چرا که هر تفریطی به او زیان زند و هر افراطی او را تباه گرداند. افراط و تفریطی که موجب ضرب به خود و یا دیگری بشود ممنوع است. پیامبر(ص) می فرماید: ضرر و زیان رساندن به خود و دیگری ممنوع است.

راه رسیدن به اهداف نایستی از هر وسیله و راهی استفاده کرد. برای داشتن بدنی شاداب و تقویت جسم، ورزش های بسیاری وجود دارد که با شرکت در آنها می توان به هدف خود رسید و دیگر نیازی به روی آوردن به ورزش های خطرناک نیست.

۳-۱: فتاوی مراجع پیرامون ورزش های خطرناک:

اصولاً هر نوع فعالیت، کار و یا ورزشی، کم یا بیش، خطرات خاص خود را دارد بسیار دیده یا شنیده شده در زندگی روزمره و یا حتی در ورزش های ساده ورزشکاران دچار صدمات و آسیب هایی شده اند. اما بحث ما در مورد ورزش هایی است که بسیار سخت طاقت فرسا و خشن که به همراه ضربه و شتم، مبارزات سخت و نیز تمرینات نامناسب می باشد. این نوع ورزش ها، غالباً صدمات ناخوشایندی به جای می گذارند؛ صدمات و آسیب هایی از قبیل: جراحت کبودی، در رفتگی، شکستگی و گاهی کشته شدن.

سوال: مسابقات ورزشی مانند بوکس زدن و فوتبال و غیره چه حکمی دارد؟

مرحوم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره): ورزشی که ضرر جسمی دارد، مانند بوکس زدن حرام است ولی اگر موجب تقویت روح و جسم و یا صرف تفریح باشد اشکال ندارد.

حضرت آیت الله العظمی اراکی(ره): اگر مانند سبق و رومیه باشد و غرض عقلایی بر آن مترتب باشد مانعی ندارد و هرگاه منجر به جرح و کسر عضو طرف باشد.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی(ره): اگر موجب کبود شدن یا جراحت شود، جایز نیست و اگر موجب این امور شود دیه واجب می شود.

حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی(ره): چنانچه معرض این باشد که به خود شخص یا طرف مقابل جنایتی وارد شود، ورزش مزبور اشکال دارد هر چند دو طرف راضی به این امر باشد.

حضرت آیت الله العظمی سیستانی: اشکال ندارد مگر اینکه مستلزم ضرر بلیغی مانند مرگ یا نقص عضو باشد که در این صورت بازی حرام خواهد بود.

حضرات آیات بهجت، زنجانی: جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: در صورتی که برای دفاع شخصی یا از کشور و کیان مسلمین لازم باشد اشکالی ندارد ولی طرفین قبل از شروع از یکدیگر باید برائت بجویند تا ضامن هم نباشند.

حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی: چنانچه ضرر معتنا به داشته باشد جایز نیست، البته اگر تربیت افرادی در این ورزشها لازم و ضروری باشد، ممکن است با شرایط خاصی تجویز شود.

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی: ورزشهایی که موجب ضرر و زیان بدن است حرام است.

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: واضح است که ایجاد ضرب و شتم و ایراد جرح و قتل حرام است.

حضرت آیت الله العظمی صانعی: ورزشهای عقلایی که پیشبینی لازم برای جلوگیری از خطر در آنها می شود نمی توان آنها را به واسطه احتمال رسیدن ضرب به بدن و جرح و جنایت به آن، حرام دانست چون اینگونه احتمالها در امور جایز دیگر هم وجود دارد، آری اگر برای رفع خطرهای پیشبینی لازم برای جلوگیری از خطر نشده باشد و خطر ضرر هر چند کم باشد و در حد جرح و شکستگی استخوان (چه رسد به بالاتر و احتمال کشته شدن) حرام می باشد. چون هر کاری با خوف از خطر، حرام می باشد و در حرمت، همان خوف کفایت می کند و احراز لازم نمی باشد و بر همین مبناست که فقها قُدسَ الله اسرارهم سفر با خوف و خطر و احرام و سفر معصیت و نماز در آن را تمام داشته اند.

۲- حقوق چیست ؟

۱-۲ تعریف :

در زبان فارسی واژه « حقوق » به معانی گوناگون به کار می رود که از جمله مهم ترین آنهاست :

۱- مجموع قواعدی که بر اشخاص ، از این جهت که در اجتماع هستند ، حکومت می کند : انسان موجودی است اجتماعی که میان همگنان خود به سر می برد . به حکم طبیعت ، شخص در اجتماع کوچک پدر و مادر زاده می شود و

در سایه مراقبت و تربیت این گروه نیازهای مادی و معنوی خویش را تأمین می کند . ولی ، پس از دوران کودکی نیز او با دیگران زندگی می کند و با همکاری آنان به خواسته های خود می رسد .

از سوی دیگر ، خواسته های آدمیان به حکم فطرت با هم شباهت زیادی دارد . کم و بیش همه یک چیز را طالبند . پس ، نزاع بر سر جلب منافع بیشتر و تأمین زندگی بهتر در می گیرد .

انسان اندیشمند از آغاز خودشناسی دریافت که بقای اجتماع او با آشوب و زورگویی امکان ندارد و ناچار باید قواعدی بر روابط اشخاص ، از جهتی که عضو جامعه اند ، حکومت کند و ما امروز مجموع این قواعد را « حقوق » می نامیم .

۲- برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع ، حقوق برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد . این امتیاز و توانایی را « حق » می نامند که جمع آن حقوق است و « حقوق فردی » نیز گفته می شود : حق حیات ، حق مالکیت ، حق آزادی شغل و حق زوجیت به اعتبار معنی اخیر است که گاه با عنوان « حقوق بشر » مورد حمایت قرار می گیرد . ولی واژه ی حقوق به معنی نخست ، همیشه با ترکیب جمع به کار می رود . (دکتر کاتوزیان ، مقدمه علم حقوق ص ۱۳)

۳- حقوق معانی دیگری هم دارد: برای مثال وقتی سخن از حقوق کارمندان دولت یا حقوق دیوانی می شود ، مقصود دستمزد کارکنان و پولی است که دولت بابت ثبت اسناد رسمی از دو طرف معامله می گیرد این معانی که بیشتر در امور مالیاتی و حقوق اداری به کار می رود ، در واقع شاخه های « حق » است که رنگ اصطلاح پذیرفته است .

۴- گاه مقصود از واژه « حقوق » علم حقوق است ، یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول و زندگی آن می پردازد . « دانشکده حقوق » و شعبه های گوناگون حقوق از شایع ترین موارد به کارگیری همین معنی است (دکتر کاتوزیان ، مقدمه علم حقوق ص ۱۴)

۵- و اما معنی اصلی که ما در این تحقیق به آن نیاز داریم حقوق را مجموعه ای از اصول و قواعد و احکام اعتباری می داند که در جامعه حاکم می شود تا با ایجاد ساختارهای اقتداری و حاکمیت نظم عمومی و اجتماعی را تأمین کند .

۲-۲ قاعده حقوقی

الف : تعریف :

قاعده ، یک حکم کلی است که در آن رابطه ای اعتباری برای انسان (یا پدیده ای دیگر) نسبت به امری مشخص شده است. همان گونه که بیان شد در واقع علم حقوق ، مجموعه ای از قواعد یا احکام اعتباری است

برخی از قواعد ، یک رابطه الزامی (امر و نهی) را اعلام می کنند . این الزام ممکن است به انجام یک کار یا ترک یک عمل ارتباط داشته باشد . به طور مثال ، این قاعده که « رانندگان باید وسیله نقلیه خود را بیمه کنند » یک حکم الزامی مثبت می باشد . در مقابل ، این قاعده که « امین نباید در نگهداری مال ، تعدی و تفریط کند » یا « هیچکس

نباید در مال دیگری بدون اجازه تصرف کند ، احکام الزامی منفی می باشند . چنین احکام و قواعدی را احکام تکلیفی می نامند .

همچنین ممکن است یک قاعده حاوی امر و نهی نباشد و تنها به یک حالت و رابطه وضعی اشاره کند و به عبارت دیگر ، وضع انسان در مقابل غیر او را توضیح دهد . به طور مثال ، این حکم کلی که « هر کس به دیگر خسارت وارد کند ضامن است » یا « قتل عمد موجب قصاص است » یک رابطه وضعی را بیان می کند . به این نوع احکام ، احکام وضعی می گویند. قواعد حقوقی مانند قواعد سایر علوم ، کلی هستند و تنها به یک مصداق و مورد خاص محدود نمی شوند بلکه در موارد و مصادیق متعدد جریان پیدا می کنند .

ب : ویژگی های قواعد حقوقی :

۱- قاعده حقوقی الزام آور است .

برای این که حقوق بتواند به هدف نهایی خود یعنی استقرار نظم و عدالت برسد باید رعایت قواعد آن اجباری باشد (دکتر کاتوزیان ، مقدمه علم و حقوق ص ۵۴) .

۲- قاعده حقوقی دارای ضمانت اجرا است .

برقرار نظم عمومی و عدالت مستلزم آن است که در برابر متخلف از قواعد حقوقی ، از سوی دولت واکنش متناسب اعمال گردد تا وصف اجباری بودن آن جنبه عینی پیدا کند . ضمانت اجرای قواعد حقوقی به اشکال مختلف تنظیم گردیده است . هر گاه تخلف از قواعد حقوقی عنوان جرم داشته باشد ضمانت اجرای آن مجازات است که به صورت های مختلف و بر حسب شدت و ضعف جرم ارتكابی اعمال می شود و از آن جمله اند محرومیت از حقوق اجتماعی ، جزای نقدی ، حبس ، قطع عضو ، شلاق و بالاخره قتل . چنانچه تخلف فاقد وصف مجرمانه باشد واکنش ممکن است به صورت جبران خسارت یا اعاده وضع به شکل قبلی متجلی شود . گاهی یک عمل مجرمانه متضمن هر دو واکنش فوق است . مثلاً اگر در اثر خطای عمدی ورزشی پای ورزشکاران شکسته شود مرتکب علاوه بر مجازات محکوم به جبران خسارت و پرداخت دیه نیز خواهد بود .

۳- کلی و عام بودن قاعده حقوقی .

مقصود از کلیت داشتن قواعد حقوقی این نیست که همه مردم موضوع حکم قرار گیرند . قواعد حقوق باید هنگام وضع مقید به فرد یا اشخاص معین نباشد و مفاد آن با یکبار انجام شدن از بین نرود . قانونگذار نمی تواند برای هر یک از اعضای اجتماع حکم خاصی مقرر دارد و چون فرض می کند که قانون جنبه عمومی دارد اجرای آن را موکول به انتشار در روزنامه رسمی کرده است (ماده ۱ قانون مدنی) . از لزوم تساوی مردم در مقابل قوانین (اصل بیستم قانون اساسی) اساسی بودن این صفت استنباط می شود . اگر قانون ناظر بر فرد معین باشد یا حکمرانان ناگزیر از رعایت قواعد کلی در رفتار خود نباشد چگونه می توان ادعا کرد که همه مردم در برابر قوانین حقوق مساوی دارند یا بر آنها قانون حکومت می کند و نه اراده فرد ؟ (دکتر کاتوزیان ، مقدمه علم حقوق ، ص ۵۷) .

در اجرای همین وصف است که در اول هر ماده ای که مقنن تصمیم به اعلام جرمی دارد از واژه « هر کس » استفاده می کند .

۲-۲ منابع علم حقوق

الف : قوانین

وقتی در حقوق از قانون صحبت می کنیم این منبع در عرف به معنی تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان های صالح دولت وضع شده است ولی در اصطلاح حقوق اساسی ما قانون به قواعدی گفته می شود که یا با تشریفات مقرر در قانون اساسی از طرف مجلس شورای اسلامی وضع شده یا از راه همه پرسی به طور مستقیم به تصویب می رسد . (دکتر کاتوزیان ، مقدمه علم حقوق ، ص ۱۲۰) در یک تقسیم بندی کلی قوانین انواعی دارد :

۱- الف : قانون اساسی

قانون اساسی در مفهوم عام به کلیه قواعد و مقررات موضوعه یا عرفی ، مدون یا پراکنده ای گفته می شود که مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است . (دکتر ابوالفضل قاضی ص ۳۹)

قانون اساسی که توسط مجلس خبرگان و با تشریفات ویژه ای وضع و یا تغییر پیدا می کند.(مقدمه قانون اساسی و اصل ۱۷۷) از نظر اعتبار در بالاترین سطح قوانین و مقررات مملکتی قرار دارد و از همین رو است که واژه اساسی پس از واژه قانون به کار رفته و به جای واژه « ماده » که در قوانین عادی استعمال شده در قانون اساسی از کلمه « اصل » بهره گرفته اند . قانون اساسی مهمترین سند حقوقی کشور است و هیچ قانون ، مقررات و یا نهادی در کشور مشروعیت نخواهد داشت مگر این که به طور مستقیم یا غیر مستقیم مشروعیت خود را از قانون اساسی گرفته باشد .

قانون اساسی متشکل از مجموع قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه گانه و ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادیهای افراد را در مقابل دولت مشخص می نماید(دکتر سید جلالدین مدنی). به عبارت دیگر قانون اساسی از یک سو ، حدود آزادیهای فرد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکیلات حاکم را در برخورد با حوزه ی حقوق فردی رسم می نماید(دکتر ابوالفضل قاضی ص ۹۰) .

۲-الف:قانون عادی

در قانون اساسی، اصول متعددی به شرایط لازم برای تصویب قانون عادی اختصاص یافته است. به وجب اصل ۵۸ قانون اساسی مرجع صالح برای تصویب قانون عادی مجلس شورای اسلامی است. اصل ۹۴ قانون اساسی مقرر میدارد که کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثرده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق با موازین شرعی و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس باز گرداند، در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا نیست. پس از این مرحله این مصوبه و برای اجراء در اختیار مسئولان قرار بگیرد.(اصل ۱۲۳) حتی پس از امضای رئیس جمهور چنین مصوبه ای قابل اجرا نبوده مگر

آنکه تشریفات قانونی دیگری را طی کند. این تشریفات به موجب ماده یک قانون مدنی صدور دستور انتشار مصوبه به روزنامه رسمی است و این روزنامه موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، مصوبه را انتشار نماید. صرف انتشار نیز کافی نیست بلکه طبق ماده ۲ قانون مدنی قوانین ۱۵ روز پس از انتشار لازم الاجراست مگر آنکه خود قانون ترتیب خاصی را مقرر کرده باشد. از این تاریخ به بعد چنین مصوبه ای عنوان قانون لازم الاجرا را دارد. نکته دیگر اینکه اصرار قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد (ماده ۴ قانون مدنی)

۳- الف : بخش نامه ، تصویب نامه و آئین نامه

گاهی اوقات قوه مجریه به موجب قانون مکلف به تنظیم آئین نامه اجرائی است ولی صلاحیت قوه مجریه در وضع آئین نامه ها محدود به الزام ناشی از قانون نیست بلکه می تواند در غیر این مورد نیز برای حسن اجرای وظایف محوله مقرراتی را تحت عنوان آئین نامه ، بخشنامه یا تصویب نامه وضع و به مورد اجراء نماید و این حق به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی به دولت داده شده است و برابر همین اصل تصویب نامه ها و آئین نامه های دولتی و مصوبات کمیسیونهای متشکل از وزراء برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می رسد تا در صورتی که بر خلاف قوانین و شرع باشد . آن ها را با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد ولی به هر حال مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالفت داشته باشد . تفاوت قانون با مصوبات قوه مجریه ، نخست این است که قانون بر کلیه مردم و دستگاههای حکومتی حاکمیت دارد و دوم ، مرجع صالح برای وضع قانون قوه مقننه است . سوم ، قضات دادگاه ها مکلف اند از اجرای تصویب نامه ها و آئین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند (اصل ۱۷۰) در حالی که قضات دادگستری چنین تکلیف یا حقی را نسبت به قوانین ندارند .

ب - آرای وحدت رویه :

آراء دادگاه ها نیز می تواند قواعدی را ایجاد کند . بعضی از این آراء مانند قواعد و حقوقی جنبه کلی و الزامی پیدا می کند که به این آراء آرای وحدت رویه می گویند . آرای وحدت رویه طبق قوانین در حکم قانون هستند و در موارد مشابه برای دادگاه ها لازم الاتباع می باشند . این آراء در مواردی که آرای مختلفی از سوی دادگاه ها در یک موضوع صادر شده توسط هیأت عمومی دیوان عالی کشور انشاء می شود .

ج - عرف

عرف نیز بر برخی موارد منبع ایجاد قاعده حقوقی است . عرف در معنای کلی الزام به رفتارهای جمعی تعریف می شود که دارای فراگیری قابل توجه توأم با الزام می باشد به نحوی که مخالفت با آن عکس العمل جمعی را به دنبال دارد (دکتر حسن ره پیک ، مقدمه علم حقوق ، ص ۳۷) ولی در حقوق ما نقش عرف در ایجاد یک قاعده امری بسیار کم رنگ است .

د - نظریه پردازی توسط حقوقدانان (دکترین)

حقوقدانان نیز نقشی به سزا در ایجاد اندیشه ها و نظریات حقوقی دارند و در بعضی از موارد این نظریه ها جنبه الزامی پیدا می کنند . به طور مثال چنانچه یک قاضی نتواند حکم یک موضوع را در قانون پیدا کنند می تواند به نظرات معتبر فقهی رجوع کنند.

فصل دوم

حقوق ورزشی

۱-تعریف حقوق ورزشی

حقوق ورزشی یا حقوق ورزش یکی از گرایش های علم حقوق است که به بررسی حقوقی حوادث در ورزش می پردازد . واژه ورزش در این اصطلاح دارای مفهوم وسیعی است و عملیات و فعالیت های ورزشی قهرمانی ، جزئی از این مجموعه است . به طور کلی می توان گفت که منظور از حوادث ورزشی تمامی جرائم و شبه جرائمی است که توسط ورزشکاران ، معلمین ، مربیان ، مدیران ، تماشاگران سازندگان و تولید کنندگان لوازم و تجهیزات و امثال آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با ورزش انجام می گیرد . موضوع این وقایع ممکن است سلامتی ، جان ، اموال ، حیثیت ، شرافت و سایر حقوق قانونی اشخاصی باشد که در محدوده ورزش به نحوی حضور دارند .

گستره کمی و کیفی موضوع های فوق به وضوح اهمیت این رشته را آشکار می سازد و آنگاه که با دقت به جایگاه حیاتی و اساسی ورزش در میان سایر نهادهای اجتماعی توجه شود ضرورت آگاهی از محتوای این رشته برای نظام قضایی کشور و به ویژه همه کسانی که به نحوی در اداره امور ورزش مداخله دارند روشن تر می گردد .

بر همین اساس و به رغم حقوقی بودن زمینه بحث در این تحقیق سعی شده است که مخاطب بیش از آن که جامعه حقوقی کشور باشد دانشجویان رشته تربیت بدنی ، معلمین ورزش ، مربیان ، مدیران اماکن ورزشی و مدیران سازمانهای ورزشی کشور و به طور کلی جامعه ورزش باشد تا به این ترتیب امکان تحقق اهداف ، آسان تر ، سریع تر و عملی تر فراهم آید .

۲-اهداف حقوق ورزشی

موضوع حقوق ورزشی تمامی تخلفاتی است که در عرصه ورزش واقع و به نحوی به حقوق دیگران لطمه وارد می آورد . در تحلیل حقوقی این تخلفات به بررسی وصف خلاف قانون بودن آنها پرداخته خواهد شد و تحت عنوان جرم یا شبه جرم طبقه بندی می شوند . و بالاخره مطالعه واکنش جامعه در مقابل چنین تخلفاتی مطرح است . این واکنش ها گاهی به عنوان مجازات ها از قبیل جزای نقدی ، شلاق ، حبس ، محرومیت از حقوق اجتماعی و حتی اعدام مجرم اعمال می شود و هر گاه تخلف ، وصف شبه جرم داشته باشد متخلف ملزم به جبران خسارت خواهد بود . البته هر چند یکی از اهداف مجازات ها ، ارباب مرتکب و سایرین است (دکتر محسنی ، کلیات حقوق جزا ، ج ۱ ص ۲۷) و این هدف با اعمال مجازات به طور قهری معمولاً محقق می شود اما هدف ما در ارائه حقوق ورزشی منحصر به ارباب متخلف در ورزش نیست بلکه مسائل در این تحقیق به گونه ای مطرح می شود که بتواند متضمن اهداف زیر باشد :

۱-افزایش آگاهی های حقوقی جامعه ورزش در محدوده حقوق ورزشی .

۲-استفاده از این آگاهی ها در راستای جلوگیری از وقوع حوادث ورزشی .

۳-شفاف تر کردن نقش حیاتی ورزش از دیدگاه حقوق ایران .

۴-تشریح وظایف و اختیارات مدیران ورزشی از نظر حقوقی .

۵-ارائه انواع تدابیر حقوقی که قبل و بعد از وقوع حوادث ورزشی باید اتخاذ شود .

و مهم ترین نتیجه حاصل از این اهداف ، در امان نگهداشتن سلامت جسمی ، روانی و حیثیتی ورزشکاران و نیز مصون داشتن مدیریت های ورزشی از مسئولیت های قانونی است .

۳ - تاریخچه حقوق ورزشی

با توجه به این که حادثه از ورزش تفکیک ناپذیر به نظر می رسد و به طور قاطع احترازپذیر نیز نمی باشد بنابراین باید تاریخ تولد حقوق ورزشی را همان مقطعی دانست که انسان ورزش را به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای زندگی اجتماعی خود پذیرفته است . اما کم و کیف آن در هر جامعه بستگی به سطح تمدن و فرهنگ آنها داشته است . کما

این که امروزه نیز چنین است . بحث تحلیلی تاریخ حقوق ورزشی و حتی ذکر اجمالی آن از حوصله این تحقیق خارج است لذا به طرح مسأله در اسلام و حقوق ایران اکتفا می کنیم .

الف - ۳ - حقوق ورزشی در اسلام

آیات و روایات متعددی که در اسلام راجع به ورزش و وجوب آن وجود دارد نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در خصوص این مورد است . به موازات این منابع ، فقها در باب مسئولیت های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظرات پر محتوی و مستحکمی را مطرح نموده اند . سابقه کار به صدر اسلام می رسد و باب اظهار نظر همچنان مفتوح است کما این که فقهای معاصر نیز در پاسخ به استفتائات ورزشی به تفصیل سخن گفته اند . از جمله فقهایی که در باب حقوق ورزشی نظراتی ابراز داشته اند ابن قدامه در المغنی ، شیخ طوسی در مبسوط ، محمد بن ادریس حلی در سرائر ، محقق حلی در شرایع الاسلام ، علامه حلی در قواعد الاحکام ، فاضل هندی در کشف الثام و شیخ محمد حسن نجفی در جواهر الکلام هستند . البته با توجه به محدودیت رشته های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی ، شنا ، اسب دوانی و ... بوده فتاوی نیز از نظر کمی محدود است ولی به لحاظ کیفی قابل استناد در اغلب رشته های ورزشی است . به عنوان مثال در باب مسئولیت معلم شنا نسبت به حفاظت از سلامت شناگری که برای آموزش به او سپرده می شود بر حسب سن شناگر نظرات مختلفی ارائه شده و یا در باب مسئولیت حقوقی کسانی که به تمرین تیراندازی پرداخته و تیر به عابر اصابت می کند فتاوی مختلفی داده شده است . وجود چنین منابعی در حقوق اسلام ضمن این که قدمت موضوع را مشخص می نماید به اهمیت ورزشی و حوادث آن نیز اشاره دارد .

ب - ۳ - حقوق ورزشی در حقوق ایران

از آغاز دوره قانونگذاری در ایران معاصر یعنی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲ قانون مشخصی که در باب حوادث ورزشی به صراحت تعیین تکلیف کرده باشد وجود نداشت و حقوقدانان در راستای توجیه حوادث ناشی از عملیات ورزشی به مبانی و اصول حقوقی متوسل شده اند . استاد عبدالحسین علی آبادی ضمن طرح بعضی نظرها که رضایت منجی علیه را علت موجهه حوادث ورزشی می دانند معتقد است « بهترین توجیه عدم مجازات مشت زن و کلیه اشخاصی که در اثنای عملیات ورزشی مرتکب جرح می شوند اجازه قانون است. » (دکتر عبدالحسین علی آبادی . حقوق جنائی ، ج ۱ ، ص ۲۶۹) . حقوقدانانی که بعد از ایشان در این زمینه اظهار نظر کرده اند نیز به اجازه قانون و آداب و رسوم اجتماعی برای موجه قلمداد کردن حوادث موصوف متوسل شده اند (دکتر پرویز صانعی ، حقوق جزای عمومی ، ج ۱ ، ص ۲۰۶) و گاه گفته اند که از نظر قانون ایران با توجه به این که موردی وجود ندارد که عرف موجب نقض قانون شود نمی توان استدلالات فوق را پذیرفت و به نظر می رسد که در صورت شکایت شاکی در مورد جرح و به هر حال در صورت وقوع قتل قضیه قابل تعقیب باشد (دکتر محمد علی معتمد ، حقوق جزای عمومی ، ج ۱ ، ص ۱۴۰)

اما در سال ۱۳۵۲ مقنن به این اختلاف نظر پایان داد و به صراحت و به موجب ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی مقرر داشت که « حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر این که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد جرم محسوب نمی شود. »

در سال ۱۳۶۱ مقنن همین متن را با اضافه کردن جمله (.. و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد) در ماده ۳۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مورد تأیید قرار داد . در سال ۱۳۷۰ نیز به رغم تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی داده شد ماده ۳۲ اخیر الذکر فقط با تغییر شماره ماده به ۵۹ عیناً به تصویب رسید و در حال حاضر در مورد حوادث ناشی از عملیات ورزشی که جنبه جزائی داشته باشد مورد استناد است . اما در مورد مسئولیت مدنی حوادث ورزشی تا کنون قانون خاصی که به صراحت به ورزش اشاره ای داشته باشد تصویب وضع است و جبران خسارت حوادث ورزشی با استناد به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ، قانون مدنی و سایر قوانین ، اصول ، فتاوی و عرف و عادت حل و فصل می شود که شرح تفصیلی آن در مباحث آتی خواهد آمد .

حقوق ورزشی به عنوان یک درس از سال ۱۳۵۵ در دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی برای نخستین بار توسط دکتر حسین آقائی نیا حسین تدریس شد و سپس همچنان در سایر دانشکده های تربیت بدنی جزء واحدهای درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس شده است . خوشبختانه حقوق ورزشی در دانشکده های حقوق دانشگاههای ایران به ویژه دوره های کارشناسی ارشد و دکتری چه به عنوان پایان نامه های تحصیلی و یا تحقیق ، مورد توجه اساتید و دانشجویان بوده و به تدریج منابع بسیار مهمی به همین ترتیب فراهم آورده شده است . با استقبالی که از این گرایش تا کنون به عمل آمده انتظار می رود که در آینده از نظر کمی و کیفی یکی از مهم ترین گرایش های حقوقی در ورزش و یا ورزشی در حقوق به حساب آید .

ج - ۳ - جایگاه ورزش در قانون اساسی

قانون اساسی همان طوری که گفته شد مهم ترین سند حقوقی کشور است و منشأ صلاحیت و مشروعیت تمامی نهادهایی است که در کشور وجود دارد . اهمیت هر نهادی در کشور به تعبیری ، بستگی به جایگاه آن در قانون اساسی دارد . اصولاً قانون اساسی به بررسی اساسی ترین امور کشور مانند حکومت ، زبان ، دین رسمی ، حقوق ملت ، اقتصاد و امور مالی ، قوای حاکم ، رهبری ، ریاست جمهوری می پردازد و بحث در مورد امور کم اهمیت تر را به قوانین عادی واگذار می کند . اکنون پرسش این است که آیا از ورزش در قانون اساسی به صراحت نام برده شده است یا این که مشروعیت خود را به طور غیر مستقیم از قانون اساسی بدست می آورد ؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم مقرر داشته که جمهوری اسلامی ایران نظامی است به پایه ایمان به :

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او .

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین .

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا .

۴- عدل خدا در خلقت و تشریع .

۵- امانت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی .

و بالاخره پس ذکر اصول دین به شرح فوق به سراغ انسان آمده و مقرر می دارد که **جمهوری اسلامی ، نظامی است بر پایه ایمان به : ۶ ، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا .** به عبارت دیگر

هدف نهایی ، تربیت انسانی موحد و مؤمن به وحی ، معاد ، عدل و امامت است . زیرا که اصول دین واقعیت های زوال ناپذیرند و آنچه از نظرمقنن اهمیت اساسی داشته همان تحقق بند ۶ یعنی تربیت انسانی کریم ، با ارزشهای والای انسانی ، آزاد و مسئول در برابر خداست . بر همین اساس در اصل دوم ، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده که برای نیل به این اهداف همه امکانات خود را برای امور ذیل به کار برد . از این جمله ، نتایج زیر قابل درک است :

۱- دولت موظف شده و اختیاری در ردّ یا قبول ندارد .

۲- دولت موظف است همه امکانات خود و نه بخشی از آن را به کار گیرد .

۳- دولت موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم فقط از طریق موارد مذکور در اصل سوم برای نیل به اهداف اقدام کند و به عبارت بهتر ، وسایلی که دولت می تواند به آنها متوسل شود حصری بوده و منحصر به بندهای شانزده گانه اصل سوم است .

در همین اصل و در صدر امور مورد نظر مقرر گردیده :

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی .

با دقت در مفاد این بند نتایج ذیل قابل حصول است :

۱- از تربیت بدنی یا ورزش به صراحت یاد شده است و این نشانه جایگاه بسیار مهم ورزش در میان اساسی ترین نهادهای کشور است ، به عبارت دیگر ورزش به آن درجه دارای اهمیت است که در قانون اساسی یعنی مهمترین سند حقوقی کشور یا جایگاه اساسی ترین نهادهای کشور قرار گرفته است .

۲- ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار دارد و نه در بطن و یا طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در نیل به اهداف نظام نقشی مستقل و حیاتی دارد و بخشی از آموزش و پرورش نیست .

۳- قرار دادن ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالی نشان می دهد که از دیدگاه قانون اساسی ، ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان مورد نظر نظام است و نه یک نهاد مادی و مجموعه ای از حرکات بدنی .

۴- در عین حال ورزش وسیله ای برای برومندی است و خود هدف به حساب نمی آید .

۵- الزام به رایگان بودن آن برای همه در تمام سطوح تأکید دیگری بر آن است که این وسیله حیاتی باید به سهل ترین روش برای برومندی نسل به کار گرفته شود همانگونه که آموزش و پرورش هیچ محدودیتی نباید داشته باشد .

۶- از نظر قانون اساسی ، ورزش به عنوان وسیله ای حیاتی و بنیادین با آموزش عالی از نظر اهمیت در یک سطح قرار داده نشده و به همین دلیل تکلیف دولت در باب آموزش عالی صرفاً تسهیل و تعمیم است ولی رایگان برای همه و

در تمام سطح نخواهد بود . چنین نگرشی به ورزش در قانون اساسی از موجبات مباهی بودن همه کسانی است که به نحوی در اداره امور این نهاد حیاتی به خدمت اشتغال دارند .

فصل سوم

۱. مسئولیت های قانونی

۲. انواع مسئولیت های قانونی

قبل از ورود به بحث اصلی که مسئولیت های ورزشکاران است جای دارد که به شناخت خود مسئولیت ها و انواع آن بپردازیم . زیرا با توجه به این که روی بیشتر این مقاله با جامعه ورزشی است بدون آشنایی و شناخت این بحث ورود به آن خالی از اشکال نخواهد بود .

۱- مسئولیت های قانونی

۱-۱ تعریف :

مسئولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام دادن امری است . (دکتر محمد معین ، فرهنگ فارسی).

مسئول کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سرباز بزند او بازخواست می شود . بنابراین مسئولیت همواره با التزام همراه است . هر گاه کسی با رفتار خود موجب لطمه به حقوق قانونی اشخاص دیگر شود اصطلاحاً می گوییم که مسئولیت قانونی دارد . گاهی رفتار خلاف قانون متخلف عنوان جرم را دارا است که در این صورت نوع مسئولیت او کیفری است و « در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد . » (استاد ناصر کاتوزیان ، مسئولیت مدنی ، ص ۴۶)

بنابراین هر گاه ورزشکاری در اجرای فن خطا توسط حریف فوت کند عمل او جرم محسوب و مرتکب مسئولیت کیفری دارد ولی اگر بر اثر اصابت غیر عمدی توپ به پنجره منزل مجاور ورزشگاه خسارتی وارد شود و ورزشکار متخلف ضامن خسارات وارده محسوب و ملزم به جبران آن است که می گوئیم مسئولیت مدنی دارد . در بعضی موارد عمل شخص ممکن است متضمن هر دو مسئولیت باشد . به عنوان مثال اگر بر اثر اجرای یک عمل ورزشی خطا ، حریف دچار شکستگی شود ، ورزشکار متخلف دارای مسئولیت کیفری و مدنی توأمان خواهد بود .

۲- انواع مسئولیت های قانونی

۲-۱ - مسئولیت کیفری

تعریف دقیق تری که می توان از مسئولیت کیفری ارائه نمود الزام مجرم است به تحمل مجازات جرم ارتكابی . بنابراین برای تعیین میزان مسئولیت کیفری ابتدا باید جرم و ارکان آن را شناخت و سپس شرایط لازم برای مسئولیت مجرم و بالاخره مجازات ها را مورد بررسی قرار داد .

الف : جرم :

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم به هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم می گویند .

ب : ارکان جرم :

برای تحقق هر جرم لازم است عناصر یا ارکان آن به وجود بیاید که در صورت نبود هر یک از این ارکان عنصر مجرمانه بودن عمل و جرم از میان می رود .

هر جرم به طور کلی سه رکن دارد : ۱- رکن قانونی ، ۲- رکن مادی ، ۳- رکن معنوی که به اختصار به توضیح می پردازیم :

۱- رکن قانونی

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی به صراحت به وجود قانون برای جرم محسوب شدن عمل ارتكابی اشاره شده است . منظور آن است که اولاً تنها قانون است که می تواند عملی را جرم بشناسند و هیچ منبع دیگر یا شخصیتی نمی تواند به عملی که قانون آن را جرم ندانسته وصف مجرمانه بدهد . ثانیاً تاریخ وضع چنین قانونی باید قبل از ارتكاب عمل باشد به عبارت دیگر اثر قانون نسبت به آتیه است (ماده ۴ قانن مدنی) و قانون عطف بما سبق نمی شود و نمی توان به موجب قانون لاحق عمل مباح سابق را جرم به حساب آورد مگر آن که قانون لاحق اخف باشد (ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی) . نتیجه این که اصل بر جرم نبودن اعمال است مگر آنکه به موجب قانون عملی جرم شناخته شده باشد . اصل قانونی بودن جرم و مجازات تضمین کننده حقوق و آزادی های افراد است .

۲- رکن مادی

در متن ماده ۲ قانون مجازات اسلامی از فعل یا ترک فعل نام برده شده است و منظور آن است که باید از سوی انسان به طور مستقیم یا غیر مستقیم عملی صورت پذیرد تا بتواند آن را جرم به حساب آورد زیرا مجرد قصد ارتكاب جرم ، جرم نیست و اگر سیاست جنائی کشوری ، به صرف قصد ارتكاب جرم ، اشخاص را مجرم بداند موجب این خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص تجسس غیر قابل اغماض به عمل آورند و غالباً اشخاص بدون این که برای جامعه خطرناک باشند مجازات شوند و این همان تفتیش عقاید است که به موجب اصل ۲۳ قانون اساسی ممنوع اعلام شده است : « تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد . »

منظور از فعل ، عملی است که تجلی اراده انسان بوده و در عالم خارج متضمن آثاری است و به نحوی قابل حس است مانند گفتن الفاظ رکیک که قابل شنیدن است یا زدن ، ایجاد حریق ، شکستن ، ربودن ، جعل و در مثال های ورزشی از قبیل : تنه زدن ، اجرای فن خطا ، سد کردن ، پشت پا زدن ، پرتاب توپ با دست به صورت حریف ، پرتاب نیزه به محل ممنوع و غیر آنها . بنابراین می توان گفت که فعل عبارت است انجام عملی که مقنن انجام آن را نهی کرده است .

ترک فعل عبارت است از خودداری از انجام کاری که مقنن انجام آن را امر کرده است . به موجب قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۴۲) هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد ... دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید . عمل مرتکب در این ماده ترک فعل است یعنی خودداری از انجام وظیفه ای که به موجب قانون موظف به انجام آن بوده است .

در ورزش نیز تحقق جرم در مصداق ترک فعل قابل تصور است . به عنوان مثال ناجی غریق موظف به نجات شناگری است که در حال غرق شدن است و یا مربی ژیمناستیک موظف به مراقبت از ورزشکاری است که روی اسباب در حال انجام حرکات است در هر دو مورد اگر ناجی غریق یا مربی از نجات و یا جلوگیری از سقوط ورزشکار خودداری نمایند عمل آنها به عنوان ترک فعل قابل تعقیب قانونی است. البته مقنن گاهی داشتن یا نگهداری بعضی اموال و اشیاء مثل مواد مخدر یا مشروبات الکلی را نیز به عنوان عمل ارتكابی برای تحقق عنصر مادی کافی می داند. مانند ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی : هر کس مشروبات الکلی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود و حتی بعضی اوقات ، حالت ، عمل محسوب می شود مانند اعتیاد به مواد مخدر . به موجب ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ، اعتیاد جرم است . به نظر می رسد در ورزش ، عمل غیر مجرمانه فقط در مصداق فعل یا ترک فعل قابل تصور باشد .

۳-رکن معنوی

برای تحقق جرم از نظر قانونی صرف انجام عمل خلاف قانون کافی نیست . بلکه لازم است که مرتکب اراده به انجام داشته باشد. بنابراین اعمال غیر ارادی هر چند نتیجه خلاف قانون در پی داشته باشد جرم به حساب نخواهد آمد . به عنوان مثال اگر ورزشکاری که روی تخته شیرجه ایستاده بر اثر شکسته شدن تخته که خود در آن هیچ نقشی ندارد به سطح آب سقوط و بر اثر برخورد با شناگر دیگری موجب مرگ او شود عمل او را نمی توان جرم به حساب آورد .

اما صرف داشتن اراده در انجام یک عمل هم کافی برای جرم بودن نیست بلکه این اراده یا باید به صورت قصد ارتکاب جرم متجلی شود که در این صورت جرم ارتكابی را عمدی می گوئیم . کسی که به قصد قتل دیگری با اسلحه به سوی او شلیک می کند و سبب مرگ او می گردد مرتکب قتل عمدی شده است . در ورزش هم همین قاعده قابل اجرا است . کشتی گیری که با علم به خطا بودن فنی مبادرت به اجرای آن می کند و حریف بر اثر اجرای این فن مصدوم یا مقتول می شود مرتکب جنایت عمدی شده است . گاهی ممکن است عمل مرتکب ارادی باشد ولی قصد ارتکاب جرم نداشته باشد ولی بر اثر تقصیر وی جرمی واقع گردد که در این صورت عنوان جرم غیرعمدی خواهد بود. تقصیرداری

مصادیقی است که عبارتند از بی احتیاطی ، بی مبالاتی ، عدم مهارت ، عدم رعایت نظامات دولتی . به طور خلاصه می توان گفت که تقصیر یا خطا عبارت است از انجام دادن کاری که شخص به حکم قرارداد یا عرف می بایست از آن پرهیز کند یا خودداری از کاری که باید انجام دهد . (دکتر کاتوزیان ، الزامهای خارج از قرارداد ، ص ۳۴۵) . در ورزش نیز بسیاری از جرائم ارتكابی ناشی از تقصیر است به این معنا که مرتکب بدون این که قصد ارتكاب جرم داشته باشد در اثر تجاوز از حدود رفتار یک انسان متعارف موجب نتیجه مجرمانه ای می گردد . به عنوان مثال بازیکنی که با کفش غیر مجاز به بازی فوتبال می پردازد و صدمه حاصله ناشی از فلزی بودن و قطر کمتر از حد مجاز است مقصر محسوب و مسئول خواهد بود و یا مربی شنا که شناگران مبتدی را در حین آموزش در استخر رها کرده و برای پاسخگویی به تلفن می رود و در اثر عدم حضور او یکی از آنها غرق می شود مرتکب بی احتیاطی شده و عنوان جرم ارتكابی او قتل غیر عمدی است . اینک این پرسش مطرح است که آیا ارتكاب جرم لزوماً موجب مسئولیت و مجازات مجرم است ؟ پاسخ به این پرسش منفی است زیرا برای آن که مجرم را بتوان از نظر کیفری مسئول شناخت باید عاقل ، بالغ و مختار باشد تا بتوان او را محکوم به مجازات نمود و در غیر این صورت یعنی اگر مجرم مجنون یا صغیر و یا مجبور باشد مسئولیت کیفری نداشته و مجازات نخواهد شد هر چند که می توان علیه او اقدامات تأمینی یا تربیتی اعمال و یا وی را ملزم به جبران خسارات نمود . به موجب ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی : اطفال در صورت ارتكاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و یا ماده ۵۱ همین قانون مقرر می دارد : جنون در حال ارتكاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است .

ج - مجازات ها

واکنش جامعه در مقابل مجرم مسئول ، مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی است . به موجب ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مجازات های مقرر در این قانون پنج قسم است : ۱- حدود ، ۲- قصاص ، ۳- دیات ، ۴- تعزیرات ، ۵- مجازات های بازدارنده .

۱- **حدود** : حد به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است . (ماده ۱۳) انواع حد عبارتند از : شلاق ، رجم ، قطع عضو ، اعدام ، تصلیب ، تبعید ، و حبس ابد که در مورد جرائم ویژه ای اعمال می شود و این جرائم عبارتند از : زنا ، لواط ، شرب خمر ، تفخیز ، مساحقه ، سرقت ، محاربه ، قذف .

۲- **قصاص** : به موجب ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی : **قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد** . مجازات قصاص فقط در مقابل جنایات عمدی یعنی صدماتی که عمداً علیه تمامیت جسمانی اشخاص انجام می شود اجراء می گردد اعم از این که جنایت علیه نفس باشد یا علیه عضو . نکته مهم دیگر در باب قصاص ، برابری جنایت با مجازات است . (سورة مائده آیه ۴۵ و نهم . وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا اَنْ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَالْاَنْفُ بِالْاَنْفِ وَ لَازِلٌ بِالْاِذْنِ وَ السِّنُّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحُ قِصَاصُهَا) در تورات بر یهود واجب ساختیم که در عوض جان قصاص جان شود و در برابر چشم ، چشم در عوض گوش ، گوش و در عوض بینی ، بینی و در مقابل دندان ، دندان قصاص شود و جراحات نیز محل قصاص است . (دکتر محمد خزائی ، ص ۶۳۵) بنابراین مجازات هیچ یک از جنایات غیر عمدی قصاص نخواهد بود .

۳- دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. (ماده ۱۵) پرداخت دیه در جنایات عمدی در صورتی است که اولیاء دم یا مجنی علیه از قصاص گذشت کرده است. برای هر عضوی از اعضاء در شرع دیه خاصی تعیین شده و دیه نفس یا جان که به دیه کامل شهرت دارد بیشترین مبلغ دیه است که جانی می تواند از میان انواع دیات (شتر، گاو، گوسفند...) انتخاب نماید. در جنایات غیر عمدی اعم از این شبیه عمد باشد یا خطا دیه تعلق می گیرد که جانی ملزم به پرداخت است. البته میزان دیه بر حسب جنسیت یا اهمیت عضو متفاوت است.

۴- تعزیرات. ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف تعزیر مقرر می دارد:

تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.

۵- مجازات های بازدارنده در سال ۱۳۷۰ مقنن مجازات های بازدارنده را به جمع سایر مجازات ها افزود. در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی آمده است:

مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معینی و مانند آن.

۲-۲ مسئولیت مدنی

در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او «مسئولیت مدنی» دارد. مسئولیت لازمه داشتن اختیار است. انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش آگاه و مسئول است. بر مبنای این مسئولیت، رابطه دینی ویژه ای بین زیان دیده و مسئول بوجود می آید: زیان دیده طلبکار و مسئول بدهکار می شود و موضوع بدهی خسارت است که به طور معمول با دادن پول انجام می پذیرد. (دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد، ص ۴۸).

ماده یک قانون مسئولیت مدنی که یکی از منابع مهم در این مورد است مقرر می دارد:

«هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود.»

ارکان مسئولیت مدنی:

تحقق مسئولیت مدنی موکول به شرایط ذیل است:

الف - ارتکاب عمل ، ب - نامشروع بودن عمل ، ج - تحقق نتیجه زیان بار ، د - رابطه سببیت .

الف - ارتکاب عمل

لطمه به حقوق دیگران معمولاً از طریق فعل یعنی انجام کاری است که تجلی خارجی آن به سهولت مشهود و محسوس است . تخریب اموال دیگران ، درج مقاله موهن ، آتش زدن مال غیر ، و امثال آنها از مصادیق بارز فعل است ولی عمل منفی یا (ترک فعل) نیز می تواند همین نتیجه را داشته باشد . (دکتر حسینقلی حسینی نژاد ، مسئولیت مدنی ، ص ۳۰)

اما ترک فعل وقتی می توان عنصر مادی مسئولیت مدنی واقع شود که خودداری کننده به موجب قانون یا قرار داد موظف به انجام کاری باشد والا مطلق خودداری از انجام یک کار حتی اگر منجر به ضرر شود موجبی برای مسئولیت مدنی نیست . تعمیر ترمز اتومبیل وظیفه راننده است . خودداری او از انجام این تکلیف اگر منجر به حادثه شود موجب مسئولیت مدنی است ولی سرنشین اتومبیل که به رغم اطلاع از آن نقص از مطلع کردن راننده خودداری می کند مسئولیت قانونی ندارد . در ورزش نیز به همین ترتیب است . مربیان ، معلمین ، و سرپرستان ورزش مکلف به مراقبت از ورزشکاران مربوطه هستند . خودداری آنها از انجام وظایف محوله اگر سبب حادثه شود پاسخگو خواهند بود . مربی کشتی که ناظر بر کشتی دو نوجوان است اگر از اعلام خطا بودن فنی که یکی از آن علیه دیگری اجراء می کند خودداری نماید و مانع اجراء نشود ضامن است . یا داوری که از بازدید دستکش بوکس غیر استاندارد یا جا سازی شده امتناع می کند باید پاسخگوی باشد و یا داور مسابقه ژیمناستیک که قبل از شروع مسابقه از بازدید دقیق اسباب معیوب خودداری می کند ورزشکار بر اثر نقص موجود مصدوم می شود مسئول است .

ب - تحقق نتیجه زیان بار

همانگونه که تحمل مسئولیت کیفری ملازمه با ارتکاب جرم دارد لازمه مسئولیت مدنی نیز ورود ضرر به غیر است . به عبارت دیگر تا ضرری محقق نشده باشد نمی توان کسی را مسئول شناخت . این مطلب در ماده یک قانون مسئولیت مدنی به شرحی که آمد مذکور است . مفهوم ضرر یا خسارت را همه می دانیم : هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامتی و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید می گویند ضرری به بار آمده است ، قوانین و نویسندگان حقوقی زیانهای را که برای جبران آن مسئولیت مدنی ایجاد می شود به دو گروه متمایز تقسیم کرده اند : ۱- مادی ، ۲- معنوی . ضرر مالی یا مادی کاستن از دارایی شخص و پیش گیری از فزونی آن به هر عنوان که باشد . به بیان دیگر هر گاه آنچه از دست رفته و قابل ارزیابی به پول باشد و صدمه به حقوق مالی برسد ضرر مالی است . اما تعریف زیان معنوی دشوارتر است و برای این که مفهومی از آن را به دست داشته باشیم می توان گفت صدمه به منافع عاطفی غیر مالی است مانند احساس درد جسمی و رنجهای روحی ، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی مانند دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید . (ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی)

بر خلاف ضررهای مادی که معمولاً قابل جبران است نحوه جبران ضررهای مالی در نظام های حقوقی مختلف متفاوت است . در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران که قوانین ملهم از منابع فقهی است در مورد جبران مادی ضررهای معنوی یعنی تقویم آنها به پول با دشواری متعددی روبرو هستیم مگر این که ضرر معنوی جنبه مجرمانه نیز داشته باشد که مرتکب مجازات خواهد شد . موضوع ضرر با توجه به ماده یک قانون مسئولیت مدنی عبارت است از جان که صدمه آن موجب مرگ است ، سلامتی که زوال آن ممکن است موجب تحقق نتایج مختلف مانند ضرب ، جرح ، شکستگی ، نقص عضو ، زوال منافع و غیره گردد . مال که زیان وارده بر آن ممکن است کلی یا جزئی باشد ، آزادی که سلب آن از طریق بازداشت غیر قانونی محقق می گردد ، حیثیت که صدمه به آن به صورت توهین ، قذف و یا هر یک از جرائم علیه عرض یا ناموس واقع شود ، شهرت تجارتي که می توان به طرق مختلف و با وسایل متفاوت به آن لطمه وارد نمود و بالاخره به هر حقی که به موجب قانون برای افراد در قانون اساسی مشخص گردیده اگر صدمه ای وارد شود از مصادیق ضرر است .

ج - نامشروع بودن عمل

صرف انجام کاری که منجر به ضرر غیر شود موجب مسئولیت مدنی نیست بلکه عمل ارتكابی باید نامشروع و یا همانگونه که در ماده یک قانون مسئولیت مدنی مقرر گردیده بدون مجوز قانونی باشد . مفهوم مخالف آن این است که ضرر و زیان ناشی از اعمال قانون موجب مسئولیت مدنی نیست . به طور مثال اگر ورزشکاری با رعایت تمام مقررات ورزشی موجب مصدوم شدن حریف شود چون عمل او منطبق با قانون و به عبارت دیگر از نظر قانونی مجاز است مسدولیتی نخواهد داشت . در مسئولیت مدنی ، عمد یا تقصیر مرتکب ، تأثیری در میزان مسئولیت مرتکب ندارد . تقصیر عمدی متضمن ادراک احتمال زیان و قبول گستاخانه آن بدون دلیلی معقول است و تقصیر ناشی از بی احتیاطی یا تسامح آن است که عامل خسارت قصد اضرار نداشته بلکه تسامحی کرده است که اگر این تسامح نبود خسارتی به دیگری نمی رسید. (دکتر حسینقلی حسینی نژاد ، مسئولیت مدنی ، ص ۳۲).

د- رابطه سببیت

اثبات ورود ضرر به زیان دیده و همچنین ارتكاب تقصیر یا وقوع فعلی از طرف خوانده یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با اوست به تنهایی دعوی خسارت را توجیه نمی کند باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است (دکتر ناصر کاتوزیان ، الزام های خارج از قرار داد ، ص ۴۴۹) ، احراز رابطه سببیت آنگاه مشکل تر می شود که موضوع مسئولیت ناشی از فعل دیگری مطرح باشد . فرض کنید معلم ورزش در دبستان مشغول آموزش دانش آموزان در ساعت ورزش است و در همین اثناء احدی از آنها به دیگری یا مال دیگری صدمه ای وارد می نماید .

اکنون این پرسش مطرح است که آیا برای الزام معلم ورزش به جبران خسارتی که دانش آموزان وارد کرده است باید میان خسارت و عمل معلم ورزش رابطه سببیت برقرار شود ؟ در این موارد ابتدا باید رابطه سببیت میان عمل دانش آموزان و ضرر احراز شود و سپس با توجه به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی که می گوید : « کسی که نگاهداری یا

مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرار داد بر عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد ... » و اگر تقصیر معلم ورزش در مراقبت از دانش آموز به اثبات برسد کافی برای الزام او به پرداخت خسارت است .

فصل چهارم

مسئولیت های حقوقی ناشی از عملیات ورزشی

حوادثی که در پهنه ورزش به وقوع می پیوندند از جهت نتیجه ، شخصیت ، مرتکب ، زمان و مکان با یکدیگر متفاوتند و نوع مسئولیت قانونی بستگی به این ویژگی دارد . حوادث ناشی از عملیات ورزشی ، تخلفات مدیریت ها ، معایب اسباب و وسائل ، اماکن معیوب ، اوباشگری های تماشاگران ، درگیری های ورزشکاران با یکدیگر یا با داوران و غیره ، موضوع هایی است که باید به طور جداگانه ای به آنها پرداخت . در این فصل ، محور بحث ، حوادثی است که مرتکب آن ورزشکار و محل آن ، اماکن ورزشی و زمان آن ، در اثنای فعالیت های ورزشی است . اکنون اولین پرسش این است که آیا می توان عمل ورزشکاری را که در جریان فعالیت های ورزشی منجر به حادثه ای می شود جرم شناخت و مرتکب را مجازات کرد ؟ پاسخ به این پرسش را باید در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی جستجو کرد . ماده ۵۹ اعمال

زیر جرم محسوب نمی شود : ۱... ۲... ۳... حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط به این که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد . در عین حال ، قبل از پرداختن به تحلیل ماهوی این ماده ، باید به نحو اجمال به علت جرم نبودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی و توجه به نقش ورزش در جامعه پرداخت .

۱- علت جرم نبودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی

در بحث سابقه حقوق ورزشی گفته شد که تا قبل از تعیین تکلیف قانونی برای توجیه حوادث ورزشی استدلال های متفاوتی از سوی حقوقدانان ارائه می شد . مصلحت اجتماعی ، رضایت زیان دیده ، عرف و عادت و امثال آن از جمله اینها بود . اما با وضع ماده ۴۲ در قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲ و قبول آن پس از انقلاب از سوی مجلس شورای اسلامی به همه این نظریات خاتمه داده شد و در واقع در حال حاضر مستند موجه بودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی ، قانون است . اعطای چنین امتیاز بزرگی به ورزش به طور استثنایی در میان هزاران فعالیت دیگر ما را به جستجوی علت آن و یا به عبارت بهتر ، چرایی آن وادار می دارد . تصریح قانونگذار به این که حوادث ناشی از عملیات ورزشی به هر گونه ای که باشد جرم محسوب نمی شود به معنای آن است که ورزش از علل موجهه محسوب و مرتکب هیچگونه مسئولیت اعم از کیفری و یا مدنی ندارد و با دقت بیشتر می توان دلایل ذیل را در این رابطه مطرح نمود :

۱-۱ تبعیت از دیدگاه قانون اساسی

قانون اساسی با توجه به همان استدلال و نتیجه گیری که در مباحث قبلی انجام شد ورزش را یکی از اساسی ترین ابزارها برای تربیت انسانی کریم، با ارزش های والای انسانی، آزاد و مسئول در برابر خدا می داند و با توجه به این که قانون عادی باید از اصول و سیاست های کلی ترسیمی در قانون اساسی تبعیت نماید ، قانون عادی ، حوادث ناشی از عملیات ورزشی را جرم محسوب نمی کند و در واقع به این دیدگاه که ورزش وسیله ای برای برومندی نسل است عینیت می بخشد .

۱-۲ رضایت ورزشکار مصدوم به شرکت در فعالیت ورزشی

از نظر اصول حقوقی ، رضایت مجنی علیه اصولاً تأثیری در مجرمیت مرتکب ندارد ولی در موارد استثنایی رضایت مجنی علیه ممکن است موجب زوال وصف مجرمانه و عدم تحقق جرم ، تخفیف مجازات یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات شود و بدون تردید رضایت ورزشکار به مشارکت در فعالیت ورزش به معنای قبول خطرات و نتایج زیان بار متعارف در ورزش است . قبول رضایت به عنوان یکی از مبانی موجه دانستن حوادث ناشی از عملیات ورزشی به منظور ایجاد انگیزه در میلیونها جوان برای روی آوردن به ورزش برای این بوده که نسلی شجاع ، سلامت و با نشاط داشته باشیم زیرا مقنن به خوبی می دانسته که تعالی جامعه جز در پرتو چنین انسانهایی مقدور نیست . مقنن با علم به این که حادثه با ورزش قابل تفکیک نیست و حتی به رغم رعایت همه موازین و مقررات باز ممکن است صدمه ای محقق شود با شجاعت و بینشی بسیار متعالی حساب ورزش را از همه امور جدا ساخته و حوادث آن را جرم محسوب

نمی کند . در عین حال می خواهد بگوید که ورزش یک فعالیت مبتنی بر تمایل است و هیچ اکراه و اجباری در آن نیست .

کاردوزو یکی از بزرگترین حقوقدانان امریکا در یک ضرب المثل همین دیدگاه را به بیانی دیگر گفته است که « ترسو می تواند در خانه بماند» (مبانی حقوقی ورزشها ، والتر ، جی ، چامپیون ، ص ۱۹) و مفهوم مخالف آن این است که در صورت مشارکت در فعالیت ورزشی علی الاصول نخواهد توانست به نتایج زیان باری که در چار چوب مقررات حاصل شده باشد اعتراض کند . این پدیده غالب و متعلق به زمانهای گذشته به نحو مطلوبی در سال ۱۹۶۲ توسط دیوان عالی ایالت ارگان موضوع حکم قرار گرفت :

« فوتبال ورزشی همراه با درگیری بدنی است . اقتضای آن درگیر شدن مستمر و مکرر بازیکنان با قدرت هر چه بیشتر است ... درگیری بدنی ، کوفتگی و شکستگی از وقایع اجتناب ناپذیر بازی فوتبال است ... بازیکنان باید خطر ، ضربات ، شکستگی ها و صدمات آن را با رضایت پذیرا شوند.» (مبانی حقوقی ورزشها ، والتر ، جی ، چامپیون ، ص ۱۹) .

استناد به قاعده اقدام که یکی از قواعد فقهی است در این مورد نیز مقبول است . معنای این قاعده چنانکه از نامش پیدا است این است که کسی که با علم و قصد و رضا ضرر یا ضمانی را بپذیرد هیچکس ضامن او نخواهد بود. (ابوالحسن محمدی ، قواعد فقه ، ج ۱، ص ۲۳۵) . بنابراین زیان دیده از عملیات ورزشی اعم از حریف یا تماشاگر یا غیر آنها با شرکت در بازی یا ورود به جایگاه تماشاگران ، صدمات و خسارات ناشی از عملیات ورزشی در چارچوب مقررات را پذیرفته است و نمی تواند برای جبران خسارات وارده به دیگری رجوع نماید . بدون تردید یکی از اصول مورد نظر مقنن در وضع ماده ۵۹ ق.م.ا. رضایت زیان دیده از فعالیت های ورزشی بوده است .

بنابراین قبول خطر و اقدام و رضای زیان دیده و شرکت او در فعل زیانبار حتی در آنچه مربوط به جان و سلامت او می شود داوری عموم و به دنبال آن حربه قانون را کند می سازد . مگر نه این است که ضرب و جرح به عمد جرم نابخشودنی است ؛ پس چرا آن که به پای خود به میدان می رود و با دنده ای شکسته و دستی و بال بر گردن بیرون می آید تنها به مردانگی خود می نازد ؟ گوئی جبران به ارضای غرور می کند شگفت آن که دادگاه نیز به شکایت او به دیده تحقیر می نگرد و روی از آن باز می گرداند تا عهد شکنی را پاداش ندهد . (استاد ناصر کاتوزیان ، مسئولیت مدنی ، ص ۳۹۶)

۳-۱ توجه به نقش ورزش در جامعه

از مهمترین انگیزه های مقنن در اعطای چنین امتیازی به ورزش یعنی جرم ندانستن حوادث ناشی از عملیات ورزشی را باید در نقش و عملکرد ورزش در جامعه دانست که عبارتند از :

۱- کاهش هیجانات ، ورزش راهی است برای اظهار و کاهش هیجانات و رهایی از تنشها ، ورزش به عنوان دریچه اطمینانی است که تمایلات مهاجمانه را تلطیف می کند .

۲- اثبات هویت ، ورزش امکان شناخته شدن و اظهار ارزشهای وجودی را فراهم می آورد .

۳- کنترل اجتماعی ، ورزش وسایلی را برای کنترل مردم در جامعه ای که انحرافات رواج دارند به وجود می آورد .

۴- اجتماعی شدن ، ورزش وسیله ای است برای اجتماعی شدن .

۵- عامل تغییر ، ورزش موجب تغییر جامعه ، ایجاد الگوهای رفتاری جدید و عاملی است که جریان تاریخ را تغییر می دهد مثلاً ورزش برخورد و رقابت گونه های مختلف مردم و برتری بر اساس قابلیت را مجاز می سازد .

۶- بیداری و آگاهی جمعی ، ورزش موجب روح جمعی است که مردم را به شیوه متحد به دنبال اهداف مشترک متشکل می سازد .

۷- موفقیت ، ورزش موجب احساس موفقیت در تماشاگران و ورزشکاران است . هنگامی که توسط بازیکنی یا تیمی موفقیت به دست می آید پیروزی در ورزش مانند پیروزی در زندگی است (دبورا.آ.وست، چارلز آ. بوچر ، ترجمه احمد آزاد، ص ۳۷۴)

در جامعه بین المللی نیز چهره ورزش با هیچ یک از امور از نظر الزام دولت ها به رعایت مقررات قابل مقایسه نیست . شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه های متعدد در محکومیت کشورهای متجاوز صادر می کند ولی در بسیاری موارد حتی به آن نمی گذارند . قطعنامه های ۲۴۲ مبنی بر محکومیت اسرائیل به ترک اراضی اشغالی و ۵۹۸ به الزام عراق به جبران خسارات وارده به ایران به رغم گذشت سال ها به مورد اجراء در نیامده است در حالی که تصمیمات فدراسیون های بین المللی و کمیته بین المللی المپیک در زمینه مقررات ورزشی را همه کشورهای به رغبت اجراء می کنند و کوچکترین تأخیری را در آن جایز نمی دانند .

۲- تحلیل حقوقی ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی

به موجب ماده ۵۹ اعمال زیر جرم محسوب نمی شود : ... ۳- حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر این که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد .

تحلیل حقوقی این ماده مستلزم روشن ساختن عناوین ذیل است : شخصیت مرتکب ، عمل مرتکب ، نتیجه حاصله ، رعایت مقررات ، انطباق با موازین شرعی .

۲-۱ شخصیت مرتکب

در بند ۳ در ماده ۵۹ اشاره صریحی به مرتکب و به عبارت دیگر به کسی که حادثه را ایجاد کرده نکرده و فقط با ذکر « عملیات ورزشی » به طور ضمنی نظر خود را رسانده است . بی گمان مرتکب این حادثه کسی جز ورزشکار نیست و در واقع ، فاعل عملیات ورزشی همان کسی است که اصطلاحاً ورزشکار گفته می شود. ورزشکار در مفهوم خاص کسی است که دارای توانایی های بدنی یا مهارت های ورزشی در سطح بالائی است ولی به نظر می رسد منظور مقنن مفهوم خاص ورزشکار به شرح فوق نباشد و به همین دلیل هم از به کار بردن واژه ورزشکار خودداری کرده است . بلکه نظر بر

مفهوم عام ورزشکار داشته است و لذا هر کس که به انجام فعالیت های ورزشی بپردازد با رعایت سایر شرایط می تواند از امتیاز این ماده قانونی استفاده کند. بنابراین از نظر قانون، سن، قد، وزن، میزان مهارت و هیچ شرط دیگری جز انجام فعالیت های ورزشی مؤثر در مشمول ماده ۵۹ نخواهد بود.

۲-۲ عمل مرتکب

منظور از عملیات ورزشی آن گروه از اقداماتی است که در چارچوب یک ورزش انجام می گیرد. ورزش در این ماده در مفهوم عام مورد نظر است به عبارت دیگر نه فقط مجموعه حرکاتی که به موجب مقررات مدون بین المللی یا داخلی، ورزش به حساب می آید مشمول ماده خواهد بود بلکه آن دسته از فعالیت های بدنی که به موجب عرف در گوشه و کنار کشور ورزش تلقی شوند. ورزش در مفهوم مورد نظر مقنن است. بنابراین فوتبال، کشتی، هندبال، جودو، کاراته از یک سو و کشتی گیله مرد، کشتی با جوخه، چوگان در عشایر کشتی با شال، لافن بازی، چوب بازی و امثال آنها که فاقد تشکیلات اجرایی و مقررات مدون است ورزش مورد نظر ماده ۵۹ محسوب می شوند. بنابراین چنانچه حادثه ناشی از هر یک از فعالیت های ورزشی باشد و مرتکب از امتیاز علت موجه ماده مذکور استفاده خواهد کرد. از نظر قانون تفاوتی میان تمرین و مسابقه وجود ندارد و حتی فعالیت های ورزش در زمان گرم کردن می تواند عملیات ورزشی مشمول ماده مذکور باشد.

۲-۳ نتیجه حاصله

مقنن با استعمال واژه حوادث، کلیه نتایج مجرمانه ناشی از عملیات ورزشی که به طور معمول جرم به حساب می آید را در شمول ماده ۵۹ قرار داده است. حادثه می تواند از ضرب و جرح ساده شروع به شکستگی، نقص عضو، از کار افتادن عضو، زوال منافع، مرض دائم، فقدان یا نقض یکی از حواس یا زوال عقل و بالاخره به مرگ منتهی گردد. بنابراین شدت و ضعف نتیجه حاصله از عملیات ورزشی علی الاصول تأثیر بر جرم بودن یا نبودن آن ندارد. استفاده از واژه حوادث و خودداری از ذکر مصادیق به نوعی نمایان گر نظر مقنن بر حمایت از ورزشکار در صورت وقوع حادثه است و به هر حال بار دیگر دیدگاه مقنن را از درجه اهمیت که برای ورزش و نقش حیاتی و اساسی آن در تعالی جامعه قائل است نشان می دهد.

۲-۴ رعایت مقررات به عنوان شرط اصلی

اولین و مهمترین شرطی را که مقنن برای موجه جلوه دادن حوادث ورزشی مقرر می دارد رعایت مقررات است و لذا تصریح می کند که حادثه نباید ناشی از نقض مقررات باشد و به دیگر سخن اگر عملیات ورزشی بر خلاف مقررات انجام و منجر به حادثه شود مرتکب همانند حوادث خارج از زمین ورزش تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا صدور چنین مجوزی موجب نخواهد شد که بعضی از ورزشکاران با سوء استفاده از مقررات، ورزش را وسیله ای برای اجرای اغراض سوء و ضد ورزشی قرار دهند. هر چند در همین فصل به طور تفصیلی به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت ولی به طور کلی می توان گفت که مقررات اصولاً به نحوی تنظیم شده اند که رعایت آنها مانع بروز حادثه می شود و در عین حال نمی توان ادعا کرد که زمینه چنین سوء استفاده هایی کاملاً منتفی است ولی

با توجه به غیر قابل احتراز بودن حوادث در ورزش حتی در صورت رعایت کامل مقررات و از آنجا که عرصه ورزش ، مکانی برای پرورش انسانهایی شجاع و توانمند است نمی توان اهداف و منافع اساسی ورزشی را به پای موارد استثنائی قربانی کرد . مقنن به خوبی می دانسته است که قرار نیست در ورزش کسی مصدوم ، مجروح یا کشته نشود و در عین حال آگاهی ورزشکاران به قابل پیش بینی بودن حوادث و شرکت داوطلبانه در آن نیز ، تأییدی بر موجه قلمداد کردن حوادث ناشی از عملیات ورزشی در صورت رعایت مقررات از سوی ورزشکار بوده است . در سایر فعالیت های اجتماعی ، فرض این است که رعایت مقررات ، مانع تحقق حادثه خواهد شد و بروز نتیجه زیان بار ناشی از عدم رعایت مقررات مربوط بوده است . در حالی که چنین دیدگاهی در ورزش صادق نیست . به عنوان مثال به مشت زن اجازه داده می شود که با تمامی توان خود به حریف ضربه وارد نماید و یا به همین ترتیب است که در بعضی ورزشهای رزمی و یا به بازیکن فوتبال برابر مقررات این مجوز داده شده است که می تواند تمامی توان خود را در زدن ضربه به توپ به کار گیرد . حال اگر در چنین مواردی ، حادثه ای روی دهد ، نمی توان ورزشکاران مذکور را به صرف وقوع نتیجه زیان بار مجرم به حساب آورد بنابراین بدیهی است که مقنن چنین امتیاز بزرگی را به فعالیتی اعطاء کند که نقشی بی بدیل در برومندی و توانمندی انسانها داشته باشد .

۵-۲ معنا و مفهوم مقررات ورزشی

منظور از مقررات در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مجموعه شرایطی است که توسط فدراسیونها ، هیأتها ، انجمن ها و امثال آنها به صورت مدرن در رابطه با عملیات ورزشی تنظیم گردیده و یا مقرراتی است غیر مدون که حاکم بر ورزشهای بومی است بدون این که مورد تأیید سازمان های دولتی قرار گرفته باشد ولی عرفاً مورد قبول مردم می باشد . در واقع اگر مجموع حرکاتی به عنوان ورزش مورد قبول باشد لزوماً مقرراتی نیز بر آن حاکم است و با توجه به نص صریح ماده مذکور شرط اصلی برای موجه شناخته شدن حادثه ناشی از آن ورزش رعایت مقررات مربوطه خواهد بود مشروط بر این که با اهداف عالیه ورزش منطبق باشد .

مقررات در این بحث هر چند محدود به موضوع کلی عملیات ورزشی است ولی ناظر بر مصادیق مختلفی است که عبارتند از مقررات مربوط به خطاهای ورزشی ، زمان ، لوازم شخصی ، تجهیزات ، اماکن ، و وسایل عمومی و غیر آنها .

الف- مقررات مربوط به خطاهای فنی ورزشی

بارزترین مصادیق مقررات ، مقررات ناظر بر خطاهای ناشی از عملیات ورزشی است . هر ورزش اصولاً دارای یک مجموعه مدونی است که تحت عنوان قوانین یا مقررات تهیه و در اختیار فدراسیون یا هیأت ها قرار دارد . در این مجموعه ها معمولاً کلیه مقررات مربوط به زمین ، بازیکنان ، داوران ، تخلفات و جرایم و امثال آنها با دقت ذکر شده است . به عنوان مثال در قوانین بین المللی بسکتبال به تشریح انواع خطاها و از جمله خطاهای ورزشکاران پرداخته است مانند اذیت و آزار بازیکن و ایجاد مانع در دید حریف با حرکت دادن دست در جلو چشمان بازیکن ، تخطی های عمدی و ناشی از اعمال رفتار غیر ورزشی ، پریدن از پشت سر روی حریف برای گرفتن توپ ، برخورد با حریف خواه توپ زنده یا مرده باشد ، ممانعت از پیشروی بازیکن با باز کردن دست خود ، هل دادن ، گرفتن یا با استفاده از تاکتیک

خشن. (قوانین بین الملل بسکتبال ، حسن نوربخش ، نصرالله جعفریان ، فدراسیون بسکتبال ، ص ۸۲ به بعد) یا در مقررات بین المللی واترپلو این اعمال خطا محسوب شده است : هل دادن حریف یا از بدن حریف به عنوان وسیله ای برای حرکت استفاده کردن ، پرتاب کردن پنالتی با روش غیر معمول ، گرفتن ، زیر آب کردن یا به عقب کشیدن حریف زمانی که توپ در اختیارش نیست ، لگد زدن یا ضربه زدن به حریف از روی عمد یا انجام حرکات نامناسب .

هر گاه حادثه بر اثر حرکات خطای ورزشکار باشد مسئولیت قانونی کامل بر عهده او خواهد بود و همانند یک مجرم عادی که در خارج از زمین ورزشی مرتکب جرمی می شود مجازات خواهد شد . بدیهی است اقدامات غیر ورزشی که در حین فعالیت ورزشی انجام می گیرد مانند : فحاشی یا کتکاری ورزشکاران قابل طرح در حقوق ورزشی نیست . مرتکب تحت عنوان مجرم عادی قابل مجازات است . نه ورزش و نه اماکن ورزشی اصولاً وسیله ای برای مصونیت ورزشکار متخلف نیست .

ب- خطاهای پیش بینی نشده

هر چند سعی شده است که کلیه مصادیق خطاهای ورزشکاران در مقررات مربوطه ذکر گردد و داوران موظفند برابر آن اعلام نظر نمایند ولی بسیاری از حرکات که ظاهراً لازمه همان ورزش نیز به حساب می آیند ممکن است سبب حادثه شود . مثال ، در زدن توپ در بسکتبال با دست یا در فوتبال با پا مجاز است ولی این بدان معنا نیست که می توان در هر زمان و در هر مکانی از زمین ورزش توپ را با دست یا پا با هر شدتی به سوی هر کس پرتاب یا شلیک کرد . به عبارت دیگر عدم پیش بینی بعضی از حرکات ورزشی در مصادیق خطاها به معنای مجاز بودن انجام آنها به طور مطلق نیست زیرا در چنین صورتی به ورزشکار اجازه داده ایم که در پوشش حرکات ظاهراً ورزشی به هر اقدامی برای دست یابی به اهداف مجرمانه دست بزند . به عنوان مثال آیا اگر پرتاب توپ با دست در بسکتبال لازمه آن بازی است می توان اجازه داد که بازیکن توپ را محکم به صورت حریف بزند و یا می توان به پرتاب کننده نیز اجازه داد که با اجازه داور مجاز به پرتاب باشد حتی اگر شخص یا اشخاصی بدون توجه در محدوده پرتاب در حال تردد باشند ؟ و یا آیا بازیکن فوتبال مجاز است در میانه میدان توپ را با پا به بازیکنی که در نزدیکی او قرار دارد بکوبد و در همه این موارد مرتکب مدعی شود که این گونه حرکات لازمه آن ورزش بوده و از جمله خطاهای مذکور در مقررات نیست ؟

بی گمان پاسخ منفی است . در جامعه ما ورزش وسیله ای است برای سلامتی ، توانمندی و نشاط و نهایتاً تربیت نسلی برومند و هرگز نمی توان از آن به عنوان وسیله ای برای ارضاء تمایلات ضد انسانی استفاده نمود . در همین رابطه در مقررات هر ورزش پس از شمارش انواع خطاها با ذکر یک ماده ، هر گونه سوء استفاده از ورزش را ممنوع اعلام کرده اند. از جمله این موارد است ماده ۸-۲۲ مقررات بین المللی واترپلو : مرتکب بد رفتاری شدن که شامل به کار بردن الفاظ رکیک و پافشاری در بازی ناجوانمردانه و غیره است . پافشاری در بازی ناجوانمردانه عبارت است از اعمالی که با روح مقررات مغایرت دارد. (مقررات بین المللی واترپلو ، ترجمه خسرو امینی، ص ۳۷) مانند پرتاب توپ به صورت حریف یا در ماده ۶۳ مقررات کشتی انجام هر گونه فنی که منجر به کشش ستون فقرات حریف گردد . (آخرین مقررات بین المللی دایوری کشتی ، ترجمه حسن سوداگر، ص ۹۴). یا قانون دوازدهم فوتبال تحت عنوان خطاها و رفتار ناشایسته ، بازی کردن به نحوی که به

عقیده داور خطرناک تشخیص داده شود خطا محسوب می گردد مانند این که اگر توپ در اختیار دروازه بان باشد و بازیکن آن را با پا بزند. (قوانین و مقررات داوری فوتبال ، داوود نصیری ، ص ۱۷۲). مثال های فوق نشان می دهد که خطاهای ورزشی منحصر به موارد خاص مندرج در آئین نامه ها نیست بلکه هر حرکت ورزشی خطرناک ، مخالف شئون ورزشی یا خلاف اخلاق ورزشی بوده نیز خطا محسوب و مرتکب در مقابل حوادث ناشی از آن مسئول است و بر عکس فعالیت ورزشی در چارچوب مقررات مجاز بوده و ورزشکار در مقابل نتایج سوء آن پاسخگو نخواهد بود .

ج- مقررات و لوازم شخصی ورزشکاران

حادثه همیشه ناشی از یک عمل ورزشی نیست بلکه گاهی وسایل مورد استفاده ورزشکار غیر مجاز بوده و حادثه نتیجه بکارگیری چنین وسیله ای است . در بسیاری از ورزشها مانند فوتبال ، بوکس یا ورزشهای رزمی ، ورزشکار باید از کفش ، دستکش مجاز و امثال آنها استفاده کند و مقررات آن ورزش به طور دقیق خصوصیات اینگونه وسایل را مشخص کرده است . به عنوان مثال در قانون چهارم مقررات فوتبال تحت عنوان وسایل بازیکنان مقرر گردیده که پل های کفش بایستی از چرم یا پلاستیک ، لاستیک ، آلومینیوم یا اجناس مشابه ساخته شده و نباید کمتر از ۱۲/۷ میلیمتر پهنا داشته و به طور کلی باید ارتفاع و پل ها بیش از ۱۹ میلیمتر نباشد. (قوانین و مقررات داوری فوتبال ، داوود نصیری ، ص ۱۷۲).

حال چنانچه نفس حرکت ورزشی در فوتبال مجاز باشد ولی بر اثر برخورد استوک های فلزی که دارای ارتفاع بیشتر و قطر کمتری است صدمه حاصل شود ورزشکار به علت نقض مقررات مربوط به وسایل بازیکنان مسئول خواهد بود یا در ورزش بوکس اگر مشتزن در داخل دستکش قطعات فلزی تعبیه کند و یا از دستکش هایی استفاده نماید که غیر مجاز باشد هر چند ضربه وارده از طرف او به حریف از نظر نحوه زدن و محل اصابت صحیح باشد ولی مسئولیت او ناشی از بکار بردن وسیله خلاف مقررات خواهد بود . ضمناً استفاده از هر نوع اشیائی که ممکن است سبب مصدوم شدن حریف گردد مانند : انگشتر ، دستبند ، ساعت و غیره ممنوع و خلاف مقررات است .

د - مقررات و زمان فعالیت های ورزشی

رعایت زمان در انجام عملیات ورزشی بخشی از مقررات مربوط به آن ورزش است . حوادث ورزشی در صورتی جرم به حساب نمی آید که عمل ارتكابی در محدوده زمان مقرر برای آن ورزش نیز باشد و در غیر این صورت و حتی به رغم این که عمل ورزشی از نظر موازین فنی خطا محسوب نشود ورزشکار در مقابل حادثه مسئول است . ورزش ها از نظر زمان تابع مقررات مختلفی هستند . گاهی زمان ورزشها مشخص و ابتدا و انتهای آن به موجب مقررات تعیین شده است مانند : کشتی ، فوتبال ، هندبال ، جودو ، کاراته ، بسکتبال و غیره . در این گروه اگر عمل ورزشی که منجر به حادثه شده قبل یا بعد و یا در حین بازی ولی در مقاطعی که به عللی بازی برای مدت کوتاه قطع شده واقع شود جرم محسوب و مرتکب مسئول است . گروه دیگری از ورزشها به صورت گیمی و یا امتیازی یا دفعی است و زمان آن تابع نتیجه گیم

، امتیاز و یا دفعات انجام یک حرکت ورزشی است مانند والیبال ، تنیس ، پرتاب وزنه ، دیسک ، و امثال آنها . در این گروه نیز عمل ورزشی اگر منجر به حادثه شود در صورتی از علل موجهه محسوب خواهد شد که در زمان مورد نظر خود صورت گرفته باشد .

البته از دیدگاه حقوق ورزشی آنچه مهم است ادامه جریان فعالیت ورزشی در طول زمان است و نه مقید بودن به زمان های مقرر در آئین نامه ها . به عنوان مثال در بسکتبال چهار زمان ده دقیقه ، در فوتبال دو زمان چهل و پنج دقیقه و در کشتی دو زمان سه دقیقه زمان های قانونی است ولی اگر در تمرین ها با توافق طرفین ، زمان بازی بیشتر یا کمتر شود تأثیر در موجه بودن حادثه ناشی از عملیات ورزشی نخواهد داشت .

و - مقررات و وسایل ، امکانات و تجهیزات ورزشی

در هر ورزش بنابر مقتضای خود از وسایل عمومی مانند : توپ ، زمین ، تشک ، اسباب و امثال آنها استفاده می شود . این وسایل با توجه به حفظ سلامت و ایمنی ورزشکاران پیش بینی شده است . اگر ورزشکار رعایت مقررات مربوطه را ننماید و صدمه ناشی از معیوب ، غیر استاندارد و یا اشکال موجود در این وسایل و امکانات باشد از نظر قانونی مسئول است. به عنوان مثال استفاده از تشک های مورد تأیید FILA که دارای ۹ متر قطر بوده و در اطراف آن حاشیه ایمنی به عرض ۱/۲۰ تا ۱/۵۰ متر (با همان ضخامت) در نظر گرفته شده در کلیه بازیهای المپیک ، مسابقات قهرمانی و جام های جهانی و کلیه مسابقات بین المللی گروه A اجباری می باشد. (آخرین مقررات بین المللی ، داوری کشتی ، ترجمه حسن سوداگر ، ص ۹۴) . استفاده از چنین تشک هایی به دلیل افت و خیزهای کشتی است بنابراین کشتی گرفتن روی فرش هر چند با رضایت طرفین باشد خلاف مقررات کشتی و موجب مسئولیت مرتکب خواهد بود . نظر اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به سئوالی از سوی یکی از دادگاهها چنین است :

سؤال : دو نفر جوان در مراسم عروسی مشغول کشتی گرفتن شده اند و در اثر عملیات بازی کشتی یکی از این دو نفر بازیکن به زمین افتاده و دستش شکسته می شود و مصدوم از بازیکن دیگر شکایت کرده است . آیا اصولاً مصدوم شدن مشارالیه بزه تلقی می گردد یا نه ؟ در صورت مثبت نوع بزه عمدی است یا غیر عمدی و شبه عمد یا خطای محض و غیره می باشد .

نظریه اداره حقوقی : کشتی در مراسم عروسی مورد استعمال از شمول بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی موضوع عملیات ورزشی که خود دارای مقررات خاص می باشد خارج است . در خصوص قسمت اول سؤال در صورتی که شکستن دست مصدوم مستند به طرف دیگر باشد مشمول موارد ضمان مندرج در قانون دیات می باشد ، هر چند کشتی که منتهی به شکستن دست شده است جرم موجب تعزیر محسوب نشود و در قسمت دوم تشخیص عمدی و غیر عمدی بودن ایراد صدمه با مرجع رسیدگی کننده است .

۶-۲ تطابق مقررات با موازین شرعی

مقنن در سال ۱۳۶۱ علاوه بر ضرورت رعایت مقررات برای موجه بودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی شرط دیگری را به لحاظ مقتضای اسلامی بودن حکومت به آن اضافه کرد و مقرر داشت که « و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد ».

اضافه شدن این قید به ضرورت رعایت مقررات ممکن است این پرسش را مطرح نماید که اگر ورزشی در سطح کشور دارای تشکیلات اداری قانونی از قبیل فدراسیون ، هیأت و غیره باشد چگونه ممکن است مقررات آن را با موازین شرعی مخالف بدانیم ؟ به این پرسش از چند جهت می توان پاسخ داد :

۱- تأسیس فدراسیون و اجازه انجام یک فعالیت ورزشی از سوی کمیته ملی المپیک به عنوان بخشی از قوه مجریه ، تکلیفی برای قوه قضائیه به تبعیت از تصمیمات آن ایجاد نمی کند . کما این که مصوبات هیأت وزیران در صورت مغایرت با قانون قابل ابطال است .

۲- توجه قانون اساسی به ورزش به عنوان یکی از اساسی ترین وسایل برای تربیت انسانی کریم ، با ارزشهای والای انسانی ، آزاد و مسئول در برابر خدا که ملهم از مبانی اسلامی است تصریح مقنن به ضرورت انطباق مقررات هر ورزش با موازین شرعی را موجه قلمداد می کند و لذا ورزشهای مخالف با این دیدگاه غیر مجاز است .

۳- ورزش از نظر اسلام یک وسیله است برای بهتر زیستن و بهتر کار کردن و بهتر انجام وظیفه کردن و بهتر جنگیدن در راه تقرب به خدا. روی این حساب هر ورزشی که جهت دار باشد و انسان را نسبت به جنبه ی فوق آمادگی ببخشد اسلامی است . خلاصه ، آنگونه ورزش ها و مسابقاتی که مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر است اشکال شرعی دارد . مستند این نظر آیه شریفه لاتلقوا یأیدیکم الی التهلکه (خود را با دست خود به هلاکت نیاندازید .) بعضی از ورزشها به خودی خود اشکال شرعی دارد مانند بوکس ... و کارهایی از این قبیل . آیت الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به این استفتاء که چه نوع ورزشهایی دارای اشکال شرعی است چنین پاسخ داده اند . ورزشهایی مانند بوکس خالی از اشکال شرعی نیست . بنابراین حوادث ناشی از اجرای اینگونه ورزشها به رغم رعایت مقررات به علت مخالفت با موازین شرعی می تواند متضمن مسئولیت برای مرتکب باشد . ورزشهای دیگری نیز ممکن است مشمول همین حکم شود مانند کشتی کج و یا بعضی از ورزشهای رزمی که متضمن ایذاء به غیر باشد .

هر چند مراتب فوق از نظر حقوقی قابل قبول است ولی مشکلی را از جوانان ورزشکاری که اجازه مقامات و سازمانهای حکومتی به انجام یک رشته ورزشی را کافی می دانند حل نمی کند . انصاف این است که نظام قضائی نباید اشتباه سازمان تربیت بدنی و در مجموع قوه مجریه را در مجاز دانستن ورزشهای خلاف شرع به حساب ورزشکاران بگذارد . از سوی دیگر سکوت سایر مراجع شرعی و حکومتی از قبیل شورای نگهبان ، مجلس شورای اسلامی ، مجمع تشخیص مصلحت و غیره در اعلام خلاف شرع بودن یک رشته ورزشی که طی سالها و به طور آشکار در کشور جریان دارد تقصیری را درخصوص این مورد متوجه ورزشکاران نمی کند و به عبارت دیگر چنین سکوتی به نظر می رسد به معنای تنفیذ ضمنی باشد .

به منظور جلوگیری از بروز چنین تعارضی، پیشنهاد می شود که سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک ، قبل از صدور اجازه به شروع به فعالیت هایی که به نوعی متضمن ایذاء به نفس یا غیر است با استعلام و یا استفتاء از مراجع ذیصلاح به حل مشکل همت گمارند و خود را به طور یک جانبه صالح به تشخیص موضوع هایی که از حدود صلاحیت آنها خارج ندانند .

فصل پنجم : مسئولیت عنصرهای ورزش

۱. مسئولیت ورزشکاران

۲. مسئولیت مربیان

۳. مسئولیت داوران

۴. مسئولیت مدیران

۱- مسئولیت ورزشکاران در برابر تماشاگران :

بازیکنان ، اگر در محل ویژه ورزش به بازی بپردازند و قواعد آن بازی را رعایت کنند ، هیچ مسئولیتی در برابر تماشا کنندگان در معرض خطر ندارند . زیرا ، از آنان جز رفتار متعارف ورزشی نمی توان انتظار داشت . وانگهی ، به طور معمول هیچ رابطه حقوقی میان بازیگران و تماشاکنندگان وجود ندارد تا بتوان تعهد ایمنی گروه تماشاگر را به عهده بازیکنان نهاد . دادگاهها اشتباه در محاسبه ضربه ای را که به توپهای ورزشی زده می شود به حق متعارف می بینند و

تقصیر نمی شمردند و وضع اضطراری و هیجان ناشی از رفتار را در نظر می گیرند . ولی ، اگر بازیکنی در محلی خارج از زمین بازی به تمرین یا مسابقه بپردازد و به دیگران صدمه بزند، مسئولیت مدنی دارد .

در صورتی که محل استقرار تماشاگران نامناسب باشد و در اثر اصابت توپ بازی یا پرتاب شدن بازیکنان یا تصادم اتومبیلها یا رم کردن اسب سواری آسیب ببینند ، باید برگزار کنندگان مسابقه را مسئول شمرد . گاه نیز خطای تماشاگر خطر آفرین است و صدمه ایجاد شده بیش از هر چیز به تقصیر او نسبت داده می شود : به عنوان مثال ، تماشاگر هیجان زده ای که به داخل زمین فوتبال می دود و در اثر برخورد بازیکنان یا اصابت توپ صدمه می بیند ، نمی تواند اثر این اقدام خود را به دوش بازیکنان نهد . همچنین است تماشاگری که به اسب آماده برای مسابقه نزدیک می شود و در اثر لگد او آسیب می بیند .

۲- مسئولیت برگزار کنندگان مسابقه :

ممکن است ادعا شود که تماشاگران ، با حضور در میدانهای ورزشی خطرناک ، به طور ضمنی آثار احتمالی این اقدام را پذیرفته اند . ولی ، این استدلال تنها ممکن است در بعضی از صورتهای حضور رایگان تماشاگران وجهی از اعتبار را داشته باشد . هر چند در این فرض نیز می توان گفت : آن که با نمایش بازی جالبی ، دیگران را به محلی خطرناک کشانده است ، باید مسئول خسارت ناشی از این اقدام باشد و رایگانی مسابقه چیزی از این مسئولیت نمی کاهد . به ویژه ، در موردی که برگزارکننده مسابقه ، به منظور تبلیغ مهارت بازیکنان ، دیگران را به محلی خطرناک فرا می خواند و رایگانی ورود را وسیله تشویق آنان به حضور در آن محل قرار می دهد ، مسئول کاهلی و بی مبالاتی خود در تمهید وسایل ایمنی آنان است . به طور خلاصه ، پیش بینی وسایل احتراز خطر ، تعهد عام هر برگزار کننده ای است ، خواه از تماشاگران پولی بگیرد یا آنان را رایگان بپذیرد . جز این که ، در صورت اخیر ، مسئولیت برگزار کننده ناشی از قرارداد نیست و ناشی از تقصیر ایجاد خطر است .

ولی ، در فرض شایع فروش بلیط برای دیدن مسابقه ، بی گمان این شرط ضمنی (بنایی) وجود دارد که ایمنی آنان به هنگام تماشای بازیها حفظ خواهد شد . تعهد ایمنی را باید از لوازم عرفی پیمان اصلی شمرد ، زیرا با اندک تأملی می توان این بنای عرفی را احراز کرد . تردید و گفتگو تنها درباره مفاد تعهد برگزار کننده مسابقه و فروشنده بلیط است : دادگاههای فرانسه ، تعهد ایمنی را در این زمینه تعهد به مواظبت و تمهید تضمینهای ایمنی دانسته اند (وسیله) و ، در نتیجه ، زیان دیده را موظف به اثبات تقصیر می سازند . ولی بعضی از نویسندگان بر این تعبیر خرده گرفته اند که تعهد فروشنده بلیط ، در برابر پولی که می گیرد ، تأمین سلامت خریدار در برابر خطر ناشی از تماشای مسابقه است . به بیان دیگر ، بنای دو طرف بر تأمین این نتیجه است نه تمهید وسایل و مواظبت برای احتراز از خطر . پس مسئولیت هر صدمه ای که تماشاگر ببیند بر عهده طرف قرارداد است ، مگر این که ثابت کند ناشی از قوه قاهره یا خطای تماشاگر و تجاوز به نظام برقرار شده بوده است . در تأیید و توجیه این نظر استدلال شده است که تماشاگر هیچ نقشی در اجرای قرارداد ندارد و تنها در پی ارضای نیاز روحی خویش است نه پذیرش خطر . بنای طرفین نیز بر پایه همین خواسته شکل می گیرد و ناظر به تأمین این نتیجه است .

موضوع تابع قصد مشترک دو طرف قرارداد است ، ولی به نظر می رسد که به طور معمول بنای دو طرف بیش از تمهید وسایل ایمنی تماشاگر نیست و ، در دعوای جبران خسارت ، او باید ثابت کند که برگزارکننده مسابقه در حفظ او و احتراز از خطر های احتمالی کوتاهی کرده است . تأمین نتیجه بر خلاف ظاهر و اماره ناشی از غلبه است و نیاز به تصریح یا قرینه قوی دارد و از بنای عرفی قرارداد فهمیده نمی شود . به بیان دیگر ، در مقام تردید نسبت به مفاد تعهد ایمنی ، قدر متیقن تعهد به فراهم کردن وسایل پرهیز از خطر است و بیش از آن نیاز به دلیل دارد ؛ اختلافی که مدعی وجود « تعهد به نتیجه » اثبات آن را به عهده دارد . دادگاههای ما هنوز فرصت اتخاذ رویه قاطعی در این زمینه را نیافته اند و پیش بینی می شود که ، بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت مدنی ، تمایل بر اثبات تقصیر زیان دیده (خوانده) ، برای احراز انتساب اضرار به او ، پیدا کنند .

۳- الف - مسئولیت مربیان در برابر ورزشکاران

در فقه آمده است که ، اگر کسی فرزند صغیر خود را برای فراگرفتن شنا به دیگری بسپارد و فرزند غرق شود، معلم مسئول است ، زیرا فرزند را به او سپرده است تا در نگاهداریش احتیاط کند و غرق او دلیل بر این است که در حفاظت تقصیر کرده است . ولی در موردی که فرزند کبیر است ، در صورتی مربی مسئول است که تقصیر کرده باشد . درباره مسئولیت مربی صغیر تردیدهایی هم شده است و بعضی آن را منوط به اثبات تقصیر مربی کرده اند و بعضی دیگر ، به دلیل متعارف بودن این اقدام و هدف مشروع تعلیم ، که به مصلحت طفل هم می شود ، مربی را ضامن نشمرده اند . جمعی هم مسئولیت را مطلق شمرده اند . ولی آنچه طرفدار بیشتری دارد ، اعتقاد به مسئولیت مطلق معلم شنا در مورد کودک و مسئولیت مقید به تفریط او درباره بالغ و رشید است . تحلیل و نقد هر یک از نظرها به درازا می کشد و با بحث ما تناسب ندارد ، پس به نتایج عمومی این مطالعه می پردازیم :

۱- مسئولیت مربی نسبت به صدمه های بدنی ورزشکار ریشه قراردادی دارد و پایه آن را باید « نقض عهد » شمرد . زیرا ، مربی در اثر قرارداد با ورزشکار یا ولی او مکلف به حفاظت شده است . به همین جهت ، صاحب جواهر اعلام کرده است که ، اگر در این پیمان مربی از خود سلب مسئولیت کند ، اخذ براءت ضمان را از بین می برد .

۲- تعهدی که مربی در این پیمان به حفاظت می گیرد ، در مورد کودک از قبیل تعهدهای به نتیجه است . پس اگر کودک غرق شود ، نقض عهد نیز صورت می گیرد یا ، به گفته صاحب جواهر در تعبیر نظر شهید ، تلف کودک کاشف از تفریط او است ، زیرا فرض این است که بدون تقصیر او کودک غرق نمی شده است . ولی ، در مورد رشید ، تعهد مربی به تمهید وسایل ایمنی و مواظبت از نوآموز و دادن تعلیم به او است . در نتیجه ، اگر حادثه ای رخ دهد ، در صورتی ضمان آور است که مستند به تفریط او باشد . در بیان این تفاوت گفته شده است که : (۱) انسان عاقل حاکم بر رفتار و مسئول جان خویش است و تفریط منتهی به مرگ منسوب به خود او است نه دیگری؛ (۲) فرض این است که ورزشکار خود داوطلب تعلیمی شده است که به مرگ او منتهی شده است : یعنی ، با این اقدام خطر ناشی از غرق شدن را پذیرفته است .

۳- در این بحث که تعهد به حفاظت در مورد رشید و عاقل تعهد به وسیله است، تردید کمتری دیده می شود و تنها گروه اندکی به ضمان مطلق مربی در هر حال نظر داده اند. تردید و احتمالها بیشتر درباره تعلیم به کودکان است که آیا باید تعهد را به نتیجه شمرد یا به نگاهداری و مواظبت؟ و دیدیم که مشهور تمایل به تعهد به نتیجه و مسئولیت مربی دارد.

برای یافتن پاسخ درست، باید توجه داشت که این پرسش به مسأله احراز انتساب تلف به فعل مربی و ورزشکار باز می گردد. در موردی که غرق نوآموز به فعل یا تفریط مربی منسوب است، مانند کودکی که در اختیار مربی قرار می گیرد و به دستور و تعلیمهای او چشم دارد، فرض این است که مربی توان پیشگیری از وقوع حادثه را دارد و اگر اتفاقی رخ دهد ناشی از تفریط او است. در چنین موردی تعهد حفاظت به نتیجه متوجه است. پس در صورت غرق کودک مربی ضامن است، مگر این که حادثه را به عمل احتراز ناپذیر و پیش بینی نشده نسبت دهد و آن را اثبات کند، به ویژه که برحسب ظاهر در این گونه قراردادهای خطر غرق شدن طفل پذیرفته نشده و مربی براءت از ضمان به دست نیاورده است. ولی، در فرضی که نوآموز بالغ و رشید است از خود ابتکار دارد و مطیع و کارگزار محض مربی نیست و تعلیمهای او را به انتخاب خود به کار می بندد، دیگر نمی توان ادعا کرد که غرق او در هر حال به فعل و تفریط مربی نسبت داده می شود، زیرا احتمال دارد نوآموز، با علم به خطرناک بودن فعل، خود را به خطر افکند و مواظبتهای متعارف در این سنخ از ورزش نیز نتواند سلامت او را تضمین کند. در نتیجه، باید گفت غرق به خود او منسوب است، مگر این که ثابت شود بی مبالائی یا نقص در مواظبت و تعلیم سبب وقوع حادثه بوده است: به بیان دیگر، تعهد مربی ناظر به مواظبت است نه سلامت.

اما آنچه در این بحثها و تحلیلها بی پاسخ مانده است و فقیهان نیز به آن پرداخته اند، تمیز علت نوعی حکم است: آیا دلیل واقعی تفاوت حکم در صغیر و کبیر، پرورش قوای روحی و فکری نوآموز است، یا دلیل تفاوت در توان مربی به حفاظت و پرهیز از خطر از یک سو و اطاعت و امرپذیری و جهل به خطر از سوی دیگر است؟ به نظر می رسد که باید احتمال اخیر را تقویت کرد، زیرا در مسئولیت مدنی و تمیز سبب زیان، اراده و اهلیت زیان دیده سهمی ندارد و کمکی به تعبیر واقعی قصد مشترک در قرارداد تعلیم هم نمی کند. آنچه مهم است میزان دخالت هر یک از دو عامل در وقوع حادثه است. در نتیجه، باید پذیرفت، در هر مورد که زیان دیده نقش انفعالی و اطاعت دارد، مربی همانند کارفرما مسئول خسارت به بار آمده است، خواه زیان به ورزشکار رسد یا در اثر فعل او برای شخص ثالث ایجاد شود. در این فرض، باید تعهد ایمنی را ناظر به نتیجه شمرد و زیان دیده را از اثبات تقصیر معاف کرد: به عنوان مثال، نوآموزی که برای فراگیری رانندگی با مؤسسه ای قرار داد می بندد، در برابر مربی خود همانند کارگر منفعل و امر پذیر است، هر چند که رشید و عاقل هم باشد. پس، مربی یا مؤسسه را باید مسئول خسارات ناشی از رانندگی او شمرد و این وضع تا زمانی ادامه دارد که دیگر مربی فرمانده در رانندگی نیست و تنها ناظر و راهنما است.

۳- ب - مسئولیت مربی در برابر اشخاص ثالث

معیاری که در مورد مسئولیت مربیان در برابر ورزشکاران گفته شد ، با تغییر مناسب در توصیف مبنا ، درباره مسئولیت آنان در برابر ثالثی که از فعل ورزشکاران صدمه می بیند نیز قابل اعمال است : تفاوت ، ناشی از این تغییر است که مسئولیت در هر حال قهری است نه قرار دادی .

(۱) در فرضی که ورزشکار در شرایطی است که دستورهای مربی را اجرا می کند و موضعی انفعالی دارد ، باید او را همانند کارگری شمرد که به دستور یا هدایت کارفرما به دیگران ضرر می زند و سبب اقوی از مباشر و مسئول جبران خسارت است (ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی) مگر این که ثابت کند تمام احتیاط های ضروری را رعایت کرده یا علت خارجی و احتراز ناپذیر آن را به بار آورده است : به عنوان مثال ، اگر نوآموز رانندگی در مسابقه های اتومبیل رانی خسارتی به دیگران زند ، باید مربی را مسئول شمرد . همچنین ، اگر کودکی که در حال آموختن شنا است طفلی را که در حال شنا است به زیر آب کشد و صدمه زند ، مربی را باید مسئول شمرد ، هر چند که در بعضی شرایط کودک هم ضامن باشد .

(۲) فرضی که ورزشکار در سطحی است که تنها با نظارت و هدایت عمومی مربی تمرین می کند ، مربی در صورتی مسئول است که غفلت و تقصیر او ثابت شود . در این فرض نیز ، هیچ رابطه قراردادی مربی و اشخاص خارجی را به هم مربوط نمی کند و ، در نتیجه ، مربی در صورتی مسئولیت دارد که اضرار مستند به تقصیر او باشد . منتها ، در فرض نخست ، اماره تقصیر ناشی از اوضاع و احوال ، زیان دیده را از اثبات آن معاف می کند و بار اثبات بی تقصیری (رعایت احتیاط های لازم به عنوان چهره مثبت آن) به دوش مربی قرار می گیرد . ولی ، در این فرض ، که اماره ای درباره تقصیر مربی وجود ندارد ، قواعد عمومی اجرا می شود و اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده است .

بدین ترتیب ، مسئولیت مربی در هر حال مبتنی بر تقصیر است ، جز این که در مرحله اثبات ، گاه به دلیل شرایط و اوضاع و احوال و حدود اختیار و انتخاب ورزشکار ، اثبات تقصیر به اماره صورت می پذیرد و نیاز به دلیل اضافی ندارد .

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی هم که تقصیر مواظبت کودک و دیوانه را شرط مسئولیت او اعلام می کند با تحلیلی که پیشنهاد شد تعارض ندارد . در این ماده می خوانیم :

« کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر ، قانوناً یا برحسب قرارداد ، به عهده او می باشد ، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت ، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد ... »

این حکم ناظر به مواظبت کننده از محجور است و این مفهوم مخالف را ندارد که مربی رشید و عاقل هیچ مسئولیتی ندارد . به طور معمول ، تنها محجور نیاز به نگاهدارنده و مواظبت دارد و قید حکم قانون نیز مبتنی بر این غلبه و شیاع عرفی است . ولی ، مسئولیت حرفه ای مربی را که به نوآموزی ، همچون کودکان آن حرفه و فنون ورزشی را می آموزد ، نمی کشد . حتی از راه قیاس یا وحدت ملاک می توان حکم ماده ۷ را مؤید مسئولیت مربی شمرد .

۴ - اختیارات مدیران در تنبیه ورزشکاران

به اجمال می توان گفت که وظیفه مراقبتی مدیران فنی یک اصل است و مقدم بر تکلیف آموزشی آنهاست . اکنون این پرسش مطرح می شود که در مقابل این تکلیف ، چه اختیاری دارند و به عبارت دیگر با چه ابزارهایی باید به وظیفه مراقبتی خود عمل کنند ؟ اگر قوانین و مقررات ورزشی و غیر ورزشی ، معلم ورزش را مسئول حفاظت از ورزشکار می شناسد ، چه اختیارات و چه امکاناتی به او برای اجرای چنین وظیفه بزرگ و پر مسئولیتی اعطا شده است ؟

در پاسخ به این پرسش می توان به دو نوع اختیار اشاره کرد : (۱) امکانات مدیریتی در رابطه با فعالیت های ورزشی از قبیل برنامه ریزی ، سازمان دهی ، اعمال تنبیهاتی مانند محرومیت از شرکت در فعالیت ها ، استفاده از نمره درسی و امثال آنها (۲). اختیار اعمال تنبیهاتی که ماهیتاً جرم است ولی انجام آن از سوی معلم یا مربی در راستای وظایف او به موجب قانون موجه و مجاز شناخته شده است .

قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۹ مقرر می دارد :

اعمال زیر جرم محسوب نمی شود :

۱- اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیبات یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به این که اقدامات مذکور در حدود متعارف تأدیبات و محافظت باشد .

نخستین پرسش حقوقی این است که آیا این ماده معلم یا مربی ورزش را شامل می شود ؟ طرح چنین پرسشی به دلیل این است که در متن این بند به طور صریح هیچ اشاره ای با آنها نشده است .

در پاسخ به این سؤال لازم است به چند نکته توجه کرد :

۱- اشخاص مورد نظر مقنن شامل والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان هستند و وجه مشترک همه آنها تکلیف به حفاظت و تأدیبات است . به عبارت دیگر مقنن خواسته است که به هر کس وظیفه مهم حفاظت و تأدیبات طفل را محول می کند اختیار تنبیه را نیز اعطا نماید .

۲- معلم ورزش و مربی به شرحی که گذشت موظف به حفاظت ، مراقبت و تأدیبات ورزشکاران بر حسب مورد هستند و لذا آنها از مصادیق بارز واژه « سرپرستان » مذکور در ماده خواهند بود .

معلم ورزش نه فقط آموزش ورزشکاران را به عهده دارد بلکه مکلف است که از آنها در جریان فعالیت ورزشی مراقبت نماید . به عنوان مثال معلم شنا نه فقط باید به آموزش داوطلبان بپردازد بلکه مراقبت از آنها وظیفه ای مهم تر خواهد بود و لذا اگر در جریان آموزش یکی از اطفال غرق شود معلم شنا ضامن است و از او پذیرفته نخواهد بود که وظیفه خود را منحصر به آموزش بداند و در سایر رشته های ورزشی نیز وضع به همین منوال است . بنابراین اگر معلم ورزش و مربی را مکلف به مراقبت از ورزشکار بدانیم لزوماً باید او را صاحب حق تنبیه دانست . با این مقدمه به نظر می رسد که معلم ورزش یا مربی از مصادیق بارز « سرپرستان » و حتی در مواردی از اولیاء قانونی محسوب می شدند .

شرایط لازم برای توجیه تنبیه

اعمال تنبیه علیه ورزشکار با توجه به ماده مرقوم موکول به وجود شرایط ذیل است :

۴-۱. سمت مرتکب

این اختیار منحصر به والدین ، اولیاء قانونی و سرپرستان است . در خصوص شمول عنوان اولیاء قانونی و سرپرستان بر معلم ورزش و مربی به قدر کافی بحث شد ولی گاهی واژه سرپرست در زمینه ورزش به اشخاص دیگری نیز قابل تسری است مانند سرپرست اردو ، سرپرست تیم های اعزامی ، سرپرست وسیله نقلیه ای که ورزشکاران در آن سوار هستند و غیر آنها . در این موارد نیز اگر وظیفه مراقبت از ورزشکار به آنها سپرده شده باشد به طور قطع در رابطه با چنین تکلیفی دارای اختیار تنبیه خواهند بود. به عنوان مثال اگر سرپرست اتوبوس حامل دانش آموزان ورزشکار متوجه شود که یکی از آنها نیمی از بدن خود را از پنجره خارج کرده و به تذکرات سرپرست هم توجهی نمی نهد آیا برای حفاظت از او مجاز به تنبیه او نخواهد بود ؟ پاسخ در صورتی که منفی باشد بدان معناست که در صورت وقوع حادثه نیز مجاز به بازخواست از سرپرست نخواهیم بود . و چنین استنباطی از مفاد این ماده قانونی خلاف نظر مقنن و تکالیفی است که بر عهده مدیران ورزشی قرار دارد .

۴-۲. اقدامات مرتکب

مقنن با بکار بردن واژه « اقدامات » ظاهراً برای اقدام کننده محدودیتی از نظر نوع قائل نشده است . با وجود این به نظر می رسد این اقدامات شامل هر عملی است که ماهیتاً جرم بوده ولی ارتکاب آن علیه طفل در این ماده موجبی برای مجازات نخواهد بود . این اقدامات شامل تنبیه بدنی ، نگهداری طفل در محل مضبوط و جلوگیری از تردد او، توهین و موارد مشابه است .

۴-۳. کمیت و کیفیت اقدامات تنبیهی

اختیارات معلم ورزش و مربی در تنبیه ورزشکار خاطی نامحدود نیست . قانونگذار در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی با تصریح به این که اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد اقدامات آنها را از نظر کمی و کیفی مقید نموده است . به عبارت دیگر ملاک موجه بودن اقدامات تنبیهی عرف است که تجاوز از آن جرم محسوب می شود . در عین حال این عرف نیز فقط در محدوده تأدیب و حفاظت قابل قبول خواهد بود . بنابراین نه تحلیل معلم و مربی از عرف تأدیب و حفاظت می تواند مبنای قضاوت باشد و نه مفهومی که فرهنگ طفل از این مقولات ارائه می نماید بلکه تلفیقی از همه اجزاء تشکیل دهنده عرف در همان مکان و زمان مبنای صدور حکم از سوی قاضی قرار خواهد گرفت . با این حال باید توجه داشت که این معیار همچنان دقیق نیست که بتوان فرمولی ارائه نمود که پاسخ تمامی وقایع آینده در آن منعکس باشد لذا نهایتاً قاضی است که باید اقدام تنبیهی معلم ورزش یا مربی را با مفهوم جمله (... در حد متعارف تأدیب و محافظت) بسنجد و رأی نهایی را صادر نماید و در این سنجش باید شخصیت ورزشکار از نظر توانایی

جسمی و روحی ، ماهیت خطائی که انجام داده نیز لحاظ می شود . بنابراین اقدامات معلم یا مربی ورزش به شرح ذیل را می توان با تأدیبات و محافظت معارض و نا متعارف دانست هر چند به انگیزه تأدیبات یا محافظت باشد :

الف. فحاشی و استعمال الفاظ رکیک .

ب . ایراد ضرب شدید .

ج . بلند کردن ورزشکار با گرفتن گوشها .

د . محبوس کردن ورزشکار در مدت طولانی .

ه . الزام ورزشکار به انجام فعالیت بدنی طاقت فرسا .

و . نگهداشتن ورزشکار در هوای بسیار سرد .

۴-۴ ضرورت وجود انگیزه تأدیبات یا حفاظت

متعارف بودن اقدام تنبیهی معلم ورزش یا مربی حتی اگر نتیجه ناهنجاری را به بار نیاورد به تنهایی کافی برای جرم نبودن نخواهد بود بلکه با توجه به ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی لازم است که اقدام تنبیهی متعارف فقط به منظور تأدیبات یا حفاظت باشد . تأدیبات یا حفاظت مفاهیمی عرفی هستند که در بحث قبلی توضیح داده شد و لذا اگر اقدام تنبیهی به انگیزه تأدیبات یا حفاظت نباشد جرم محسوب و مرتکب مجازات خواهد شد مانند این که معلم ورزش از دانش آموزی بخواهد که ساک ورزشی او را بیاورد یا زمین ورزش را نظافت کند و کارهایی از این قبیل و ورزشکار امتناع نموده و معلم ورزش چنین واکنشی را خلاف ادب تشخیص داده او را تنبیه بدنی کند . بدیهی است که امتناع ورزشکار از چنین اقداماتی خلاف ادب به حساب نمی آید و تشخیص معلم ورزش به علت مغایرت با مفهوم عرفی تأدیبات فاقد اثر حقوقی خواهد بود . اما اگر سرپرست اردو از اجابت درخواست دانش آموزی که به شهرستانی دیگر اعزام شده مبنی بر این که شب را در خانه اقوامش بگذراند امتناع کند و با اصرار وی مواجه گردد و خوف فرار او از اردو برود نگهداری چنین دانش آموزی در محلی امن در حدود متعارف مشمول ماده است هر چند نفس عمل ، بازداشت غیر قانونی باشد .

۴-۵. شخصیت مجنی علیه

در ماده مرقوم انجام اقدامات تنبیهی فقط در مورد «صغار و محجورین» مجاز است به موجب تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و تبصره ۱ ماده ۱۲۱ قانون مدنی مقرر می دارد که سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است . این دیدگاه به علت اشکالات متعددی که ایجاد نموده است مورد اختلاف فقها ، حقوقدانان و قضات است که امید می رود نسبت به اصلاح

آن اقدام گردد . به موجب ماده ۱۲۰۷ قانونی مدنی اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوقی مالی خود ممنوع هستند : ۱- صغار ، ۲- اشخاص غیر رشید ، ۳- مجانین .

۴-۶. نتیجه اقدامات

با توجه به صدر ماده ۵۹ که مقرر می دارد : « اعمال زیر جرم محسوب نمی شود . » منظور اقداماتی است که متضمن نتیجه مجرمانه باشد و در چنین صورتی که مقنن به دلایلی که ذکر شد اراده می کند که در جهت حمایت از مربی یا معلم ورزش ، این جرائم را مباح بداند و مرتکب را از مسئولیت مبری بداند . نکته مهم دیگر ، قرار گرفتن معلم ورزش در این ماده در ردیف والدین است و این امر ، مؤید اهمیت ورزش و مسئولان ورزش از دیدگاه مقنن است .

۴-۷. تعارض اختیار تنبیه با ممنوعیت آن در آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش همواره در باب تنبیهات بدنی حساس بوده و بر ممنوعیت آن از طریق صدور بخشنامه ها تأکید داشته است . در تعارض میان اختیار قانونی تنبیه و ممنوعیت بخشنامه ای آن باید گفت که مرجع وضع قانون قوه مقننه و مرجع صدور بخشنامه قوه مجریه است که با توجه به اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی که قائل به تفکیک قوا گردیده و نیز اصل یکصد و هفتاد آن : « قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آئین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند . » می توان گفت که بخشنامه های موصوف درمورد معلمین ورزش قابلیت اجرایی ندارد و سایر معلمین را شامل می شود . از نظر کم و کیف وظایف معلمین ورزش با سایر معلمین نیز قبول چنین تبعیضی کاملاً منطقی است . کوچکترین تعلل معلم ورزش در مراقبت از دانش آموزان در زنگ ورزش و به خصوص در ورزشهایی مانند شنا ، ژیمناستیک و امثال آنها منجر به حادثه ای ناگوار خواهد شد و این در حالی است که دروس نظری مانند ریاضی ، فیزیک ، ادبیات و غیره تضمین خطری برای سلامت دانش آموز نیست تا بتوان معلمین مربوطه را مکلف به مراقبت دانست و در شمول بند ۱ ماده ۵۹ ق.م.ا. قرار داد .

۵- رابطه ورزشکار و مؤسسه های ورزشی

رابطه ورزشکار با باشگاههای ترتیب دهندگان مسابقه های ورزشی مبتنی بر قرار دادی است که در این زمینه بسته می شود . ویژگی این قرار داد در پذیرش خطرهای ناشی از آن ورزش و مسابقه ها است : به عنوان مثال ، راننده ای که در مسابقه اتومبیل رانی یا بوکس شرکت می کند و در این زمینه با مؤسسه ورزشی ، اعم از باشگاه و انجمن و واسطه های ورزشی ، پیمان می بندد ، از خطرهای این اقدام آگاه است و به طور ضمنی آن را می پذیرد . پس نمی تواند تضمین سلامت خود را بر عهده مربی یا باشگاه نهد . بی گمان ، در این قرار دادها شرط « تعهد ایمنی » مفروض است ، ولی مفاد این شرط را باید محدود به تمهید وسایل ایمنی و کوشش در پرهیز از خطر کرد و تضمین نتیجه ، به ویژه در خطرهایی که لازمه شرکت در مسابقه و مبارزه است ، در قلمرو این شرط نمی آید . به بیان دیگر ، مفاد تعهد ایمنی ناظر به تمهید وسیله است نه کسب نتیجه مطلوب ، پس ، در دعوای جبران خسارت ورزشکار ، باید تقصیر

خواننده و تفریط او در پرهیز از خطر و تمهید وسایل ایمنی اثبات شود. با وجود این، قانون یا رویه قضایی باید این گونه مؤسسه ها را، در برابر سودهای سرشاری که از این رهگذر می برند، موظف به بیمه ورزشکاران در خطر کند. بیمه کردن ورزشکار، یکی از وسایل ایمنی است که می تواند او را در صورت حادثه از خطر مرگ و فلج شدن و سایر ناتوانیهای جسمی و روحی نجات دهد، زیرا به ورزشکار امکان دسترسی به پزشکان متخصص و بیمارستانهای تخصصی گران قیمت را می دهد؛ وسایلی که در حالت عادی ممکن است دور از دسترس ورزشکار باشد و او را از مراقبتهای پزشکی محروم سازد. اگر این پیشنهاد به عنوان لازمه عرفی تعهد پذیرفته شود، باید گفت که مؤسسه های ورزشی در برابر ورزشکاران مسئولیت محض پیدا کرده اند و مظهر خارجی این مسئولیت حق بیمه ای است که می پردازند.

۶- مسئولیت های حقوقی داوران

داوران از ارکان مهم ورزش محسوب می شوند که عملکرد آنها نقش تعیین کننده ای در میادین ورزشی و چه بسا در نظم عمومی جامعه دارد. قضاوت داور در ورزش از نظر فنی موضوع بررسی های حقوقی قرار نمی گیرد و اصولاً داور بد یا خوب تا آنجا که منجر به حادثه و یا ضرر و زیان مالی و یا لطمه به حقوق قانونی دیگران نشود از شمول حقوق ورزشی خارج است. بنابراین تعامل حقوق با داور در ورزش موکول به آن است که رابطه سببیتی میان قضاوت داور و نتیجه خلاف قانون احراز گردد تا بتوان در باب مسئولیت کیفری یا مدنی او بررسی نمود. در عین حال آنچه مسلم است عدم مصونیت داوران از پیگردهای قانونی است و هر کس که از عملکرد داور در زمین ورزش متحمل صدمه جانی، مالی و غیره شود حق تعقیب قانونی آنها را خواهد داشت.

اداره امور ورزش ها در میادین به استناد مقررات هر ورزش منحصراً با داور است او باید با توجه به اختیارات وسیعی که دارد بر حاکمیت مقررات پای فشارد و در صورتی که در انجام وظیفه به هر علتی از قبیل بی اطلاعی از مقررات، بی توجهی به عدم اجرای مقررات از سوی ورزشکار و امثال آنها قصور کند و حاصل تقصیر او صدمه به حقوق قانونی دیگران باشد ضامن و پاسخگو خواهد بود. اینک به مقررات بعضی ورزشها در مورد وظایف داوران اشاره می کنیم.

۱- **بسکتبال ماده ۱۹:** داوران بازی را طبق قوانین مربوط اداره خواهند کرد (قوانین بین المللی بسکتبال، ص ۳۸)

۲- **فوتبال. قانون پنجم:** برای قضاوت هر بازی یک داور تعیین می گردد. وظیفه، اختیارات و اقتدار او از زمانی که داخل زمین بازی می شود آغاز می گردد. اختیارات داور در مورد مجازات بازیکنان حتی در مورد خطاهایی که هنگام خارج شدن توپ و یا توقف توپ در زمین انجام می گیرد گسترش می یابد. تصمیمات داور درباره خطاهای انجام شده باید بدون توجه به نتیجه بازی باشد باید قوانین را به مورد اجرا بگذارد. (داود نصیری ص ۶۸)

۳- **واترپلو ماده ۱-۹:** کنترل مطلق بازی در دست داوران است. اقتدار آنها نسبت به بازکنان در تمام مدت جریان بازی و تا زمانی که داوران و بازیکنان در محدوده استخر هستند اعمال می شود. (خسرو امینی، ص ۱۴)

۴- کشتی - ماده ۱۴ الف : هیأت داورى کلیه وظایف پیش بینی شده در مسابقات کشتی و همچنین مقررات ویژه احتمالی که در هنگام سازماندهی برخی از مسابقات وضع می گردد را به انجام می رساند .
(حسن سوداگر ، ص ۲۳)

۵- شنا - ماده ۱-۲ : سر داور بر تمام مقام های برگزار کننده نظارت و تسلط دارد . او می تواند گفته ها و نوشته های آنها را تأیید کند و با در نظر گرفتن موارد ویژه و کلیه دستورها و قوانین آنها را هدایت و راهنمایی کند . او باید قوانین و تصمیمات فینا را با قدرت اجراء نماید . (امیر حسین دریانی ، ص ۲۱)

در سایر رشته های ورزشی نیز داور مسئول اداره امور بر اساس مقررات مربوطه است . اما اختیارات و وظایف داوران دارای ابعاد مختلف و در هر رشته ورزشی متناسب با فعالیت های اختصاصی آن است . نتیجه حاصل از بررسی های انجام شده موارد ذیل است که در تمامی رشته های ورزشی داوران مکلف به انجام آن هستند و تخلف از آنها در صورتی که به نتیجه سوء منتهی شود ممکن است موجب مسئولیت قانونی آنها گردد. قبل از بررسی این موارد تذکر این نکته ضروری است که از نظر حقوقی تفاوتی میان داورى در تمرین یا مسابقه نیست و اهم تکالیف داوران از نظر حقوقی عبارتند از :

۱-۶ بازدید اماکن و تجهیزات

داوران موظفند در فاصله زمانی کوتاه تا شروع فعالیت ورزشی از اماکن و تجهیزات مربوطه بازدید نمایند . این موارد شامل زمین ، تشک ، پیست ، استخر ، اسباب و امثال آن است . نحوه بازدید به همان صورتی است که در باب مسئولیت مربیان گفته شد . در صورتی که اماکن و تجهیزات با مقررات مربوط مطابقت نداشته باشد یا متضمن خطر برای بازیکنان باشد داور نباید اجازه فعالیت دهد . از جمله مواردی که اماکن و تجهیزات ، خطرناک و وقوع حادثه در اثر استفاده از آن قابل پیش بینی است :

- یخ زدگی یا باطلاقی بودن زمین فوتبال .

- کدر بودن ، آلوده بودن و بوی نامطبوع آب استخر .

- نازک بودن یا مندرس بودن تشک کشتی یا استفاده از قالی به جای تشک .

- فرسوده بودن بندهای دار حلقه یا چوب های پارالل .

- فقدان نور کافی در زمین .

- لغزنده بودن کف پوشها .

- وجود اشیاء خطرناک در نزدیکی محیط زمین مانند نرده های فلزی نوک تیز یا جعبه های فلزی مخصوص نگهداری توپ .

- کوتاه بودن فاصله دیوار با خط پایان دو سرعت در سالن .
- پوشش نداشتن میله های بسکتبال که در فاصله نزدیک زمین نصب شده است .
- وجود بخاری های گازی در فاصله نزدیک زمین .
- سیم کشی معلق روی استخر برای روشنایی یا غیر آن .
- کف پوش های مجاله شده .
- بی سرپوش بودن حفره های میله والیبال در سالن های چند منظوره .
- فقدان مأموران پلیس یا موانع فلزی برای جلوگیری از ورود تماشاگر در بازیهای حساس .
- ابری و طوفانی بودن هوا در ورزشهایی که در فضای باز انجام می گیرد (امکان صاعقه) .
- محصور نبودن فضای پرتاب ها و عدم امکان تردد اشخاص .
- فقدان علامت های جهت یاب و هشدار دهنده در پیست اسکی .
- غیر استاندارد بودن توپ بازی به نحوی که خطرناک باشد.

۲-۶: بازدید از وسایل شخصی ورزشکار

ورزشکاران جوان که بیشتر از آن که عاقل باشند احساسی هستند ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه از وسایلی استفاده نمایند که با مقررات آن ورزش منطبق نباشد و منجر به صدمه به خود یا حریف شوند . داوران به موجب مقررات کلیه ورزشها باید قبل از شروع فعالیت اقدام به بازدید دقیق وسایل شخصی نموده و از استفاده از وسایل شخصی غیر مجاز جلوگیری نمایند . استفاده از چنین وسایلی نه فقط موجب مسئولیت بازیکن خاطی است بلکه داور را نیز در معرض پی آمدهای قانون قرار می دهد . داوران نباید هیچگاه امکان سوء نیت را منتفی بدانند . وسایل شخصی شامل دستکش ، کفش ، وسایل ایمنی ، و غیره است . بازدید از وسایل باید بر حسب نوع وسیله انجام شود مثلاً بازدید دستکش بوکس باید با لمس آنها صورت گیرد تا چنانچه اشیاء فلزی جاسازی شده و یا از گچ مخصوص شکسته بندی به جای پودر تالک استفاده شده است قابل کشف باشد . در مورد کفش فوتبال موضوع متفاوت است و باید با مشاهده دقیق از استفاده از کفشهایی که استوک های فلزی غیر مجاز با ارتفاع بیشتر از حد و قطر کمتر دارند جلوگیری کند .

در ورزشهایی مانند بوکس آماتور که استفاده از کلاه ایمنی ضروری است یا تکواندو که به کارگیری کلاه ایمنی ، هوگو ، ساعدبند ، کاپ ، و ساق بند در مسابقه الزامی است امتناع ورزشکار از استفاده از آنها محملی برای رفع مسئولیت داور نخواهد بود . استفاده ورزشکاران از وسایلی مانند ساعت ، انگشتر ، و امثال آنها در ورزشهای درگیر ممنوع است و این بر عهده داور است که قبل از شروع اقدام لازم را معمول دارد .

۳-۶ جلویی از اجرای حرکات یا فنون خطا

خطاهای فنی هر ورزش به طور دقیق در آئین نامه ها و مقررات مربوطه مورد به مورد مشخص گردیده است البته در اکثر موارد داوران پس از حرکت ، اعلام خطا می کنند زیرا حرکات به قدری سریع انجام می شود که عملاً فرصتی برای جلویی از اجرای آنها نیست و لذا در این مورد که حرکت یا فن منجر به حادثه می شود مسئولیتی متوجه داور نخواهد بود ولی گاهی اوقات و در بعضی رشته ها ممکن است بین در اختیار گرفتن حریف با فن خطا و اجرای آن فاصله زمانی باشد مثلاً در کشتی بلند کردن کشتی گیری که به پل رفته و پرتاب مجدد وی بر روی تشک و یا گرفتن فن اوج بند کامل ممنوع است . حال اگر کشتی گیری مایه این فنون را در اختیار داشت باشد و قصد اجرای آن کند داور باید قبل از اجراء ، اعلام خطا کند و لذا چنانچه به علت بی توجهی یا بی اطلاعی اقدام لازم را به عمل نیاورد به اتفاق ورزشکار خاطی در صورت وقوع حادثه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت . در یک پرونده داور کشتی به علت مسامحه در نظارت شایسته بر مسابقه محکوم گردید زیرا در لحظه ای که یکی از رقبا مبادرت به گرفتن فن اوج بند کامل می کرد توجه داور به جای دیگر معطوف بود . متعاقب اجرای آن فن کشتی گیر دیگر از ناحیه گردن مصدوم و دچار فلج دائم گردید . این صدمه در نتیجه تقصیر داور به وقوع پیوست . نباید از نظر دور داشت که داوران فقط در قبال خطرهایی که بخشی از فعالیت ورزشی محسوب می شوند ممکن است مسئولیت داشته باشند و به عبارت دیگر صدمات ناشی از عملیات ورزشی که برابر مقررات انجام گرفته و یا اقدامات ورزشکاران که از مقوله عملیات ورزشی خارج و منجر به حادثه شود هیچگونه مسئولیتی متوجه داوران نخواهد کرد . مشروط بر این که اقدامات احتیاطی بازدارنده را اعمال نموده باشد . اگر قصد تخلف یا ایراد صدمه از سوی ورزشکار تجلی خارجی پیدا کند بدون این که هنوز به نتیجه منجر شده باشد وظیفه مراقبتی داور اقتضا دارد که اقدامات مقتضی بر حسب مورد اعمال کند این اقدامات ممکن است تذکر ، اخطار و یا حتی اخراج باشد . بی توجهی به چنین مواردی که از مصادیق بارز غفلت است زمینه ساز مسئولیت داوران خواهد بود .

۳-۴ : اقدام نسبت به ورزشکاران مصدوم

مسئولیت داوران در مورد ورزشکاران مصدوم علی الاصول محدوده به مکان فعالیت ورزشی است . هر گاه ورزشکاری به هر علتی در این محدوده مصدوم شود داور موظف است که اقدامات فوری در جهت کمکهای اولیه به منظور جلویی از وخامت حال وی را به انجام برساند . این وظیفه لزوماً به معنای مباشرت داور در اعمال این کمکها به ورزشکار نیست بلکه او باید تسهیلات کافی برای انجام کمکهای اولیه را فراهم نماید . این تسهیلات شامل قطع بازی ، اجازه ورود پزشک یا پزشک یار به زمین و بالاخره انتقال مصدوم به خارج از زمین است و هر گاه جابه جایی مصدوم بدون ترتیبات خاص میسر نباشد داور مجاز به الزام اشخاص به انتقال مصدوم به خارج از زمین به هر نحو نخواهد بود . هدف اساسی ورزش تأمین سلامتی ، نشاط و توانمندی است و هیچ هدف دیگری در جامعه ایران با توجه به قوانین موجود نمی تواند بر آن رجحان داشته باشد . تقلید از دیگران ، اعمال قاطعیت های بی خردانه و بی توجهی به این که همه قوانین و مقررات در کشور باید بر اساس موازین اسلامی و قانونی باشد می تواند داوران ما را مسئول در برابر صدمات وارده نماید. توصیه های ذیل از موجباتی است که مانع مسئولیت داوران خواهد بود .

- به مجرد مصدومیت ورزشکار بازی قطع و اقدام لازم را معمول دارید .

- هرگز با توجه به زمینه های قبلی ، تمارض را مفروض ندانید مقابله با بازیکن ظاهراً متمادی نباید از طریق بی توجهی به او و ادامه بازی صورت گیرد بلکه داور می تواند با اختیارات مقرر در آئین نامه اقدام مقتضی به عمل آورد .

- اگر پزشک در محل فعالیت ورزشی حاضر نباشد اجازه بازگشت به بازیکن مصدوم در صورتی مجاز است که حداقل ، ظواهر امر دلالت بر امکان آن داشته باشد .

- به بازیکنی که از ناحیه سر صدمه خورده است بدون اجازه پزشک اجازه ادامه بازی را ندهید .

- ادعای بازیکن مصدوم به توانایی به ادامه بازی به ویژه اگر طفل باشد هرگز رافع مسئولیت داور نخواهد بود .

- در ورزش های مانند بوکس که مفهوم Knock out یا Knock Down ، زمین افتادن بر اثر ضربه حریف یا عمل بیرون انداختن حریف در اثر ضربه مشت است و در این حالت احتمال کشیدگی و پارگی عروق خونی مغز وجود دارد . بازگشت باید پس از گذشت مدت مقرر با اجازه کتبی پزشک معتمد باشد .

- در تعطیل رقابت های نامتعادل که امکان حادثه قابل پیش بینی است تردید به خود راه ندهید .

- هر گاه در جریان فعالیت ورزشی شرایط جوی نامساعد شود و بروز سانحه قابل انتظار باشد بازی را خاتمه دهید .

- اگر ادامه بازی احتمال شورش و بلوا را قابل تصور کرده است به فوریت باید تعطیل شود زیرا مصلحت جامعه و نظم عمومی بر انجام یک فعالیت ورزشی مرجح است .

- اجازه ادامه بازی بازیکنی که سوء نیت و قصد مجرمانه خود را عملاً نشان داده است را ندهید . در غیر این صورت ممکن است به عنوان معاونت در ارتکاب جرم از سوی بازیکن مسئول شناخته شوید .

۷- مسئولیت های حقوقی مدیران ورزشگاهها

قبل از بررسی حقوقی مسئولیت مدیران ورزشگاهها تذکر دو نکته ضروری است : اول این که در این بحث منظور از ورزشگاه هر محلی است که صرفنظر از وسعت و امکانات آن معد برای فعالیت های ورزشی است . بنابراین ورزشگاه آزادی از نظر حقوقی تفاوتی با یک سالن چند منظوره در یک مدرسه ندارد . نکته دوم توجه به معنای مدیر در این راستا است . مسئولیت ناظر بر واژه « مدیر » نیست بلکه هر کس که وظیفه اداره امور آن ورزشگاه را به عهده دارد در صورت تخلف مسئولیتن خواهد داشت صرف نظر از دولتی یا خصوصی بودن ، سوابق مدیریتی و یا سایر ویژگی ها و لذا واژه های سرپرست ، مسئول ، رئیس و غیره با کلمه « مدیر » مترادف هستند . مدیران ورزشگاههای مسئولیت اداره فعالیت ورزشی و غیر ورزشی مرتبط را بر عهده دارند و موظف هستند بدون دخالت در امور فنی ورزشها ، ایمنی همه کسانی را که تحت هر عنوان از قبیل مربی ، ورزشکار ، تماشاگر ، کارکنان در ورزشگاه حاضر می شوند حتی همسایگان

مجاور را در چارچوب وظایف خود تأمین می نمایند . بدون تردید و به استناد اصول کلی حقوقی اگر صدمه وارده به اشخاص یا اموال ناشی از تقصیر آنها باشد ملزم به پاسخگویی خواهند بود .

۷-۱ ورزشگاه معبد و به مثابه خانه دوم

با توجه به شرح کاملی که در مباحث قبلی داده شد و هدف از ورزش در قانون اساسی روشن گردید و نیز با عنایت به آیات و روایات و از جمله این روایت « قو علی خدمتک جوارحی و اشد علی العزیمه جوانحی » پروردگارا اعضاء و اندام مرا در طریق خدمت به خود نیرومند گردان و اعصاب و افکارم را بر عزم و استواری محکم فرما (سید رضا تقوی ، ص ۶۹) . تردیدی در قداست آن نیست و لذا مظروف آن که ورزشگاه است الزاماً باید تابعی از همین وصف باشد . از نظر افکار عمومی ، ورزشگاه مکان امنی است که ملت فرزندان عزیز خود را با اطمینان کامل برای تعالی و تکامل ، نشاط و سلامتی و برومندی به آنجا گسیل می دارند . این اوصاف نشان می دهد که مدیر ورزشگاه امانت دار جامعه است و باید با تمام توان از امانات مردم یعنی کودکان ، نوجوانان ، جوانان و سایرین که به انگیزه های شرافتمندانه آنجا وارد و منزل دوم خود تلقی می کنند حمایت و حفاظت نماید . فقدان مسئولیت قانونی مدیران ورزشگاهها یک تصور بی اساس است . یکی از اوصاف قواعد حقوقی کلی و عام بودن است و همه آحاد مردم از یک سو دارای حقوق و از سوی دیگر وظایفی بر عهده دارند و در صورت اثبات تقصیر بی گمان ضامن خواهند بود . مدیر ورزشگاه باید همواره به تقدس ورزشگاهها و تعقد خود نسبت به آن عنایت داشته باشد و حساسیت مسئولیت های خود را درک کند .

۷-۲ مدیر ورزشگاه و کارکنان

مهمترین عامل موفقیت یا شکست یک مدیر ورزشگاه ، عامل نیروی انسانی همکار است . ورزشگاهها عموماً به علت مساحت زیاد و تردد انبوه مردم در آن ، نیاز به نظارت بیشتر دارد . عدم توجه به این دو موضوع می تواند زمینه ساز وقوع تخلفات مختلف در یک مجموعه ورزشی باشد و از آنجا که مدیر ورزشگاه به تنهایی قادر به نظارت مستمر نیست لزوماً وجود یک ترکیب مطلوب از همکاران ضرورتی اجتناب ناپذیر است . جرائم ارتكابی در ورزشگاهها از سرقت ، تخریب شروع و به اعمال منافعی عفت و صدمات بدنی و حتی مرگ خاتمه می یابد . گاهی این جرائم نه فقط از سوی مراجعین به وقوع می پیوندد بلکه تبانی ، معاونت و یا مشارکت بعضی از کارکنان با آنان هرگز منتفی نیست و در صورتی که ارتكاب چنین جرائمی شایع شود بی گمان حمل بر بی کفایتی مدیر خواهد بود و این حداقل خسارتی است که بر حیثیت مدیر وارد می شود . اتخاذ تدابیر ذیل از سوی مدیر ورزشگاه اقداماتی است احتیاطی که می تواند عامل بازدارنده مهمی در جلوگیری از بروز ناهنجاری شود .

۱- مطالعه دقیق پرونده های پرسنلی کارکنان و جمع آوری اطلاعات در مورد کلیه کارکنان .

۲- اتخاذ تصمیم قاطع در مورد کسانی که ادامه کار آنها در مجموعه به مصلحت نیست .

۳- بازدیدهای ناگهانی از ورزشگاه در تمامی ساعات و کنترل نحوه انجام وظیفه کارکنان .

۴- بررسی صلاحیت فنی و اخلاقی مربیانی که از مجموعه استفاده می کنند و جلوگیری از شروع یا ادامه کار اشخاص فاقد صلاحیت .

به خاطر داشته باشیم که هر اغماض نامتعارفی در این مورد به معنای قربانی کردن نوجوانان و جوانان به پای دوستی ها و یا سهل انگاری هاست ضمن این که مدیر نیز قربانی دیگران خواهد بود .

۳-۷ مدیر ورزشگاه ، اماکن و تجهیزات

مدیر ورزشگاه مسئول مراقبت از کلیه اشخاص اعم از ورزشکار ، تماشاگر ، کارکنان و غیره در محدوده ورزشگاه در رابطه با تمامی اماکن ، اسباب ، وسایل و تجهیزات ورزشگاه است . این وظیفه حتی در بعضی موارد به همسایگان ورزشگاه نیز قابل تسری است . بنابراین مدیر مجموعه باید در آستانه شروع به تصدی این سمت از کلیه موارد فوق به طور دقیق بازدید و اشکالات موجود را به مقامات مسئول گزارش و تصریح نماید که استفاده از آن ها متضمن وقوع حوادث ناگوار خواهد بود .

اعم از این که ورزشگاه دولتی باشد یا نباشد اگر خسارت ناشی از تقصیر مدیر باشد مسئول خواهد بود . به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی : « کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند ولی هر گاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است . » بنابراین گزارش نواقص می تواند رافع مسئولیت مدیر ورزشگاه باشد . صدمات و خسارات ناشی از معیوب ساختن وسایل و تأسیسات گاهی به قدری دلخراش است که قابل جبران نیست و ندامت و پشیمانی مدیران سهل انگار پس از این که خانواده ای متلاشی و ملتی را از داشتن جوان برومندی محروم نمود چه سودی در پی خواهد داشت . به عین گزارش کارشناس حادثه پیست دیزین که منجر به قطع پای نفر اول تیم اسکی جوانان گردید توجه نمایید :

« در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۶ آقای صادق کلهر نفر اول تیم ملی اسکی جوانان ایران پس از پایان تمرین به سرعت به پایین پیست اسکی می کند وی پس از عبور از معبر باریک سعی می کند مماس با انتهای قابل رؤیت کابل شمالی از کنار کابل عبور کند ولی غافل از آن که قسمتی از کابل در زیر برف پنهان است و این قسمت پنهان همان قسمتی از کابل بوده که کفش صادق به آن گیر می کند شدت شوک حاصل از در تله افتادن پا و سرعت نسبتاً زیاد باعث می شود تمامی بدن به استثنای پا و کفش را به چندین متر جلوتر پر تاب شود . بدین ترتیب صادق کلهر نفر اول تیم اسکی جوانان ایران پای راست خود را از ناحیه زانو از دست می دهد علت اصلی حادثه نامناسب و ناکافی بودن حصار محوطه وزنه توازن بوده است که در درجه اول حصار می بایستی با فاصله کافی از کابل نصب می شد . کابل می بایستی حداقل با دو متر فاصله در داخل محوطه محصور قرار می داشت . علاوه بر آن حصار می بایستی دوبله و از جنس توریهای ایمنی باشد و حتماً نقاط اتصال کابل به زمین در داخل حصار قرار بگیرد . البته لازم به ذکر است که موارد خطر ساز در

پیست دیزین فراوان است که بیان یکایک آنها خارج از موضوع این گزارش است لیکن مانع آن نیست که در آینده اسکی بازان دیگری دچار سانحه نشوند.»

در رابطه با وظایف مدیران ورزشگاهها با اماکن ، اسباب ، وسایل و تجهیزات به توصیه های زیر توجه نمایید .

۱- بازدید زمان بندی شده را در صدر وظایف خود قرار دهید .

۲- نسبت به پیگیری رفع اشکالات تا حصول نتیجه ادامه دهید .

۳- اشکالات و معایب هر چند جزئی باشد اگر وقوع سانحه قابل پیش بینی است نادیده گرفته نشود .

۴- بی توجهی به سقف ورزشگاه ، حمام ، توالت ها که بر اثر رطوبت جدا شده در هر لحظه ممکن است بر اثر ریزش ضایعه جبران ناپذیر ایجاد نماید تقصیر محسوب می شود .

۵- اگر ورزشگاه مجاور منازل و یا اماکن دیگران است استفاده از تورهای فلزی برای جلوگیری از اصابت توپ یک الزام حقوقی است .

۶- لغزنده بودن کف حمام ها ، دستشویی ها ، کنار استخر از عوامل خطر ساز است . رفع اشکالات الزامی است . در کنار هر شیر آب که برای آبیاری استفاده می شود نصب یک تابلو غیر بهداشتی بودن آن را مشخص می کند ضرورت دارد . در عین حال از نظر فنی باید به گونه ای باشد که اشخاص عادی نتوانند از آنها استفاده کنند .

۷- مسمومیت حاصل از شرب چنین آبی اگر منجر به مرگ شود قتل غیر عمدی محسوب و مسبب مجازات خواهد شد .

۸- جایگاه تماشاگران باید توسط کارشناسان مربوطه در مقاطع مشخص زمانی بازدید و اجازه ادامه استفاده کتباً ابلاغ گردد . مدیر ورزشگاه مسئول جلب نظر کارشناسان است .

۹- اطاق تأسیسات ورزشگاه شامل برق ، دستگاههای حرارتی و برودتی باید همیشه قفل بوده و کلید آن منحصرأ در اختیار مأمور فنی باشد .

۱۰- از قرار دادن وسایل خطرناک مانند دروازه هندبال ، جعبه فلزی مخصوص نگهداری توپ ، بخاری گازی ، نردبان های فلزی و امثال آن در کنار زمین های ورزشی به شدت جلوگیری نماید .

۱۱- کلید و پرزهای ورزشگاه باید در محل محفوظ قرار داشته باشد به نحوی که امکان دستیابی اشخاص متفرقه به آن ممکن نباشد .

۱۲- نصب تابلوهای هشدار دهنده یا نوشتن هشدارها در محل مناسب از اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه است .

۱۳- از خرید اسباب ، لوازم و تجهیزات نامرغوب خودداری نمایند .

۱۴- امکانات لازم برای کمک های اولیه همیشه باید در دسترس باشد .

۱۵- اطلاع از محل نزدیک ترین مراکز درمانی به ورزشگاه از تدابیر یک مدیر معقول است .

۱۶- درج تلفن های ضروری مانند اورژانس ، پلیس ، آتش نشانی ، برق ، گاز ، و آب در محل قابل رؤیت مؤید تدبیر مدیر ورزشگاه است .

۱۷- ایجاد ارتباط نزدیک با مسئولان پلیس محل ، بیمارستان ها ، اورژانس و غیره نشان دهنده شایستگی و آینده نگر بودن مدیر است .

۱۸- تردد اشخاص مشکوک در ورزشگاه به ویژه در زمان فعالیت ورزشی دانش آموزان باید به دقت تحت نظر قرار گیرد .

۱۹- در مسابقات حساس که حتی احتمال ضعیفی برای درگیری وجود داشته باشد ورزشگاه باید به طور کامل عاری از مصالح ساختمانی مانند : آجر ، سنگ و غیره باشد .

۲۰- موانع فیزیکی برای جلوگیری از ورود تماشاگران به زمین های ورزشی از تدابیر الزامی است .

۲۱- در صورت وقوع حادثه گزارش کاملی از آن تهیه و در صورت لزوم در همان زمان به امضای شهود برسانید .

خلاصه این که مدیر ورزشگاه در محدوده مدیریتی خود وظیفه دارد که از وقوع حوادث با اتخاذ تدابیر لازم جلوگیری نماید . در چنین صورتی و حتی به رغم تحقق هر حادثه هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت و در غیر این صورت اگر در وقوع حادثه مرتکب بی احتیاطی ، بی مبالاتی ، عدم رعایت مقررات و یا غفلت شده باشد بر حسب نتیجه حاصله مسئولیت خواهد داشت .

پایان

حسن منتظری نجف آبادی

پاییز ۱۳۹۰

فهرست منابع

۱. دکتر آقائی نیا، حسین. حقوق ورزشی چاپ یازدهم ۱۳۸۹ (نشر میزان)
۲. امینی، خسرو. مقررات بین المللی واترپلو
۳. خزائی، محمد. احکام قرآن
۴. دریایی، امیرحسین. قوانین بین المللی شنا
۵. دکتر ره پیک، حسن. مقدمه علم حقوق چاپ دوم ۱۳۸۸ (انتشارات خرسندی)
۶. دیورا. آ. اوست، چارلز. آ. بوچر. مبانی تربیت بدنی، ترجمه احمد آزاد.
۷. سوداگر، حسن. آخرین مقررات بین المللی کشتی
۸. دکتر علی آبادی، عبدالحسین حقوق جنائی ج ۱ (دانشگاه تهران)
۹. دکتر قاضی، ابوالفضل. بایسته های حقوق اساسی چاپ سی و سوم ۱۳۸۸ (نشر میزان)
۱۰. دکتر کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق. چاپ شصت و پنجم ۱۳۸۷ (شرکت انتشار)
۱۱. دکتر کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی، الزام های خارج از قرارداد. چاپ چهارم ۱۳۸۴ (دانشگاه تهران)
۱۲. محمدی، ابوالحسن. قواعد فقه ج ۱
۱۳. دکتر مدنی، سید جلال الدین. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی
۱۴. شیخ محمد حسن نجفی. جواهر الکلام ج ۴۲
۱۵. نصیری، داوود. قوانین و مقررات داوری فوتبال
۱۶. نقوی سید رضا، چهل حدیث در ورزش
۱۷. نوربخش، حسن. جعفریان، نصرالله قوانین بین المللی بسکتبال
۱۸. والتر. تی. جامپیون جونیور. مبانی حقوق ورزشها. ترجمه دکتر حسین آقائی نیا، چاپ چهارم ۱۳۸۶ (دادگستر)